



ازاول تا 30 اپریل

روز شمار، اول اپریل

1 - آغاز انقلاب فرهنگی چین :- بتاريخ اول سال 1966 میلادی: چوئن لای نخست وزیر وقت چین با ایراد نطقی آغاز انقلاب فرهنگی چین را اعلام داشت، وی با نقل جملاتی از یک نطق مائو که سه دهه قبل از آن ایراد شده بود گفت: اوضاع و احوال نشان می دهد که هدفهای انقلاب دارد فراموش می شود و سلائق شخصی جای آن را می گیرد و دیری نخواهد پایید که چین به همان روال قدیم (پیش از انقلاب) باز خواهد گشت، برای متوقف کردن این روند باید فرهنگ انقلاب را زنده سازیم و با هر فرهنگ و روش مغایر آن مبارزه کنیم، هدف اصلی انقلاب چین تامین برابری تمام عیار مردم بوده است، بنابراین باید با فرهنگهایی که می خواهند طبقه اجتماعی به وجود آورند مبارزه شود، این مبارزه باید به صورت انقلابی صورت گیرد و مبارزان از میان جوانان انتخاب شوند که در عین حال در طول عمر پاسدار آن باشند، در این انقلاب نباید خون ریخته شود، باید جنبه آموزشی داشته باشد، تنها باید انقلابی عمل کرد یعنی این انقلاب را بالاتر از قانون و ضابطه بدانیم، با این انقلاب باید تصور این که میان انسانها فرق است از اذهان زدوده شود.

جملاتی که از مائو نقل شد از این قرار بود: انقلاب یعنی تخریب نظامی که دیگر کارایی ندارد و در یک جامعه، یک دسته کوچک را آقای دیگران کرده و استثمار و تبعیض بیداد می کند و از عدالت خبری نیست، انقلاب تفریح و مهمانی رفتن نیست، انقلاب همه چیز را دگرگون باید بکند و نظم تازه ای را برقرار سازد، باید دانست که فرصت طلبان در کمیته‌ها هستند تا از انقلاب سوء استفاده کنند، حال آن که انقلاب برای ریشه کن ساختن هر گونه سوء استفاده به وجود می آید و مردمی که از ظلم و هرگونه سوء استفاده خسته شده اند جان بر کف می نهند و وارد آن می شوند و در چار چوب آن می رزمند، «چوئن لای» ضمن تفسیر این جملات گفت که انقلاب فرهنگی عمدتاً برای ریشه کن ساختن همین فرصت طلبان به وجود می آید و راه درازی در پیش رو دارد.

2 - تراز روز « ادگار والاس » :- بتاريخ بتاريخ اول اپریل سال 1875 میلادی: ادگار والاس Edgar wallace روزنامه نگار انگلیسی، داستان نویس و نویسنده نمایشنامه به دنیا آمد و در طول 57 سال عمر خود 175 داستان، 24 نمایشنامه و صدها مقاله نوشت، وی روزنامه نگاری را با تهیه خبر برای دبلی میل (چاپ لندن) و رویترز آغاز کرد و در این رشته تا سردبیری روزنامه «راند دبلی میل» چاپ آفریقای جنوبی پیش رفت، داستانهای والاس عمدتاً زمینه پلیسی و جاسوسی دارند، او مانند همه روزنامه نگاران که داستان نویس شده اند کوشیده است که برپایه یک جریان واقعی داستان خود را بنویسد، «والاس» نوشته است که در قالب ماجراهای پلیسی بهتر می توانست حقایق زمانه و مسائل را بیان دارد و هدف او اصلاح جامعه بود، دختر «والاس» پس از مرگ پدر انجمنی به نام او تاسیس کرده که مشوق ادبیات و داستان نگاری است.

3 - کودتای رشید عالی گلپانی در عراق :- بتاريخ اول اپریل سال 1941 میلادی: رشید عالی گلپانی ناسیونالیست عراقی و سیاستمداری که از سیاستهای آلمان ناسیونال سوسیالیست (دولت نازی) هواداری می کرد با واحدهای نظامی چهار افسر ارشد و حمایت مفتی فلسطین در عراق کودتا کرد و با فراری دادن نایب السلطنه این کشور به سفارت آمریکا در بغداد زمام امور عراق را به دست گرفت، وی پیشتر هم دو بار نخست وزیر عراق بود، ملک غازي پادشاه عراق در همان زمان در یک حادثه موتر کشته شده بود و پسرش فیصل دوم را که کودکی بیش نبود برجایش نشانده بودند، رشید عالی پس از اطلاع از انتقال نایب السلطنه از سفارت آمریکا به یک پایگاه هوایی انگلستان در عراق (حبابیه)، دستور حمله به این مرکز را صادر کرد، دولت انگلستان که از دست رفتن عراق در جریان جنگ جهانی دوم را برای خود یک فاجعه می دانست جنرال «آرکادی واول Archibald Wavell» قوماندان نیروهای آن کشور در هند را مامور سرکوب رشیدعالی و همدستانش کرد، انگلستان همچنین به سبب نزدیک شدن دولت ایران به آلمان و پیش بینی برخورد نظامی با دولت تهران، عراق را لازم داشت تا از خاک این کشور بر ضد ایران دست به اقدام نظامی بزند، بدون همکاری عراق، در آن زمان یک حمله نظامی به ایران که موفقیت آمیز باشد امکان پذیر نبود، از طرفی ادامه حکومت رشیدعالی ناسیونالیست در عراق، احتمال تامین یک هدف هیتر را که دست اندازی بر منابع نفت خاورمیانه و خارج ساختن هند از دست انگلستان بود افزایش می داد.

«واول» که قبلاً در شمال آفریقا با ایتالیایی ها و آلمانی ها دست و پنجه نرم کرده بود و بعداً هم قوماندان عمومی نیروهای انگلستان در خاور دور و آسیای جنوبی و سپس نایب السلطنه هندوستان شد موفق شد رشیدعالی را از عراق به کشور سعودی فراری دهد و نفوذ انگلستان بر عراق محفوظ بماند و پایگاههای نظامی انگلستان در آن کشور حفظ شود، همین پیروزی «واول» بر رشید عالی باعث شد که انگلستان بتواند در اگست سال 1941 میلادی (سنبله 1320 خورشیدی) با اعزام نیرو از هند، از طریق عراق ایران را تحت اشغال نظامی درآورد، رضاشاه متمایل به آلمان را برکنار و پسرش محمد رضا را شاه سازد، برخی از مورخان کودتای رشیدعالی در عراق را به برنامه های هیتر پیوند زده اند، آن چه که واقعیت دارد این است که اگر رشیدعالی موفق شده بود تا مدتی بر عراق حکومت کند افتادن منابع نفت خاورمیانه به دست آلمان و یا، نا امن شدن بهره برداری از آنها متحمل و نتایج جنگ جهانی دوم چیزی دیگر بود و ایران هم به اشغال نظامی در نمی آمد، رشیدعالی که در سال 1882 میلادی در بغداد به دنیا آمده بود که در آن زمان از مستملکات عثمانی بود همچنین موفق شده بود که یک حزب ملی گرا تاسیس کند و گروهی ناسیونالیست عراقی را که با هرگونه نفوذ خارجی در عراق و سرزمین های عربی و ایجاد یک کشور یهودی نشین در فلسطین (طبق اعلامیه لرد بالفور) مخالف بودند متحد سازد، وی در لبنان در تبعید درگذشت.

4 - تولد میرزا حیدر قلی خان کابلی :- 134 سال قبل از امروز (/ / سال 1293 هجری قمری) : میرزا حیدر قلی خان کابلی مشهور به سردار کابلی از عالمان بزرگ معاصر و صاحب نظر در علوم دینی و ریاضی در کابل به دنیا آمد، او در سال 1297 هجری قمری به هنگام اشغال افغانستان بدست قوای انگلیسی به هند عزیمت کرد و مدت 7 سال در لاهور زندگی کرد، این عالم بزرگ در این مدت قرآن و تفسیر رابحوی آموخت و سپس به کاظمین سفر کرد و در آنجا از محضر سید حسن مدرس و سیدمحسن امین فیض برد و اجازه اجتهاد

کسب کرد سردار کابلی در سال 1310 هجری قمری به ایران رفت و از آثار او : دیوان ابوطالب (ع) ، الاربعین فی فضایل امیرالمومنین و ترجمه انجیل برنابا را میتوان نام برد .

5 - موجودیت نظام جمهوری در ایران :- بتاریخ اول اپریل 1979 میلادی (12 حمل سال 1358 هجری شمسی) : نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری خمینی درکشور ، ایران موجودیت یافت ملت ایران در مدت دو روز آراء خود را به صندوقهای رأی ریختند و با شرکت در یک همه پرسی به نظام جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دادند .

6 - تولد « تیکو براهه» منجم دینمارکی :- بتاریخ اول اپریل 1546 میلادی: « تیکو براهه» منجم و ریاضیدان دینمارکی متولد شد ، براهه در آلمان تحصیل کرد و در زادگاهش دینمارک ضمن تحقیق ، ستاره جدیدی در صورت فلکی ذات الکرسی کشف کرد ، تیکو براهه در جزیره کوچک رصدخانه تأسیس کرد و مدت 20 سال در آنجا به تحقیق و رصد آسمان پرداخت ، تیکو براهه با تکمیل ادوات رصد و بجای گذاشتن نتایج درخشان و مهم درباره امور رصد ستارگان و سیارات راه را برای اکتشافات دانشمندان بعدی هموار کرد .

=====

روز شمار، دوم اپریل

1 - مجاهدان و اسلحه " استنگر " امریکایی :- بتاریخ 2 اپریل 1986 میلادی (31 حمل 1365 خورشیدی) : حکومت ایالات متحده امریکا دادن اسلحه ضد هوایی بنام " استنگر " را به " مجاهدین " علیه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و ضد طیارات روسی منظور کرد .

2- سفر های اقتصادی سردار محمد داود خان :- بتاریخ 2 اپریل 1978 میلادی (13 حمل 1375 خورشیدی) : سردار محمد داود جهت مذاکرات و تقویه پایه های اقتصادی افغانستان با رهبران عربستان سعودی، کویت و مصر به آن کشور ها سفر داشت .

3 - آغاز حمله نظامی عراق به ایران :- بتاریخ 2 اپریل 1979 میلادی (13 حمل 1358 هجری شمسی) : رژیم بعث عراق 50 روز بعد از پیروزی انقلاب در ایران حمله های خود را بطور پراکنده به پایگاههای مرزی ایران آغاز کرد ، این حملات حدود 20 ماه ادامه داشت تا اینکه در اواخر ماه سنبله 1359 شمسی ارتفاعات نوسود و محل مهران به طور رسمی به تصرف قوای بعثی عراق درآمد و جنگ تحمیلی بالای ایران آغاز شد .

4 - اختراع دندان مصنوعی :- بتاریخ 2 اپریل سال 1728 میلادی: « فوشارد » دکتور فرانسوی دندان مصنوعی را اختراع کرد ، فوشارد با این ابداع بسیاری از کسانی را که از نداشتن دندان رنج می بردند راحتی بخشید ، « فوشارد » ابتدا از دندان مردگان برای ساختن دندان مصنوعی استفاده کرد اما پس از مدتی از جنس چینی و سپس پلاتین و طلا برای ساخت دندان مصنوعی استفاده کرد .

5 - امریکا وارد جنگ جهانی شد :- بتاریخ 2 اپریل سال 1917 میلادی: امریکا وارد جنگ جهانی شد و در این روز میان امریکا و آلمان جنگ در گرفت ، دولت آلمان از جنوری 1917 میلادی کشتی های امریکایی را غرق کرد و در مقابل امریکا به ماه فیروزی به آلمان « اولتیماتوم » داد ، و سپس روابط خود را با این کشور قطع کرد ، سرانجام پس از تصویب کنگره امریکا ویلسون رئیس جمهور این کشور ، ورود امریکا را به جنگ جهانی اول اعلام کرد .

=====

روز شمار، سوم اپریل

1- جنگ صفین :- بتاریخ اول ماه صفر سال 37 هجری قمری: جنگ صفین میان سپاه حضرت علی (ع) و معاویه در کنار رود فرات در گرفت ، سپاه معاویه ابتدا شکست سختی خوردند اما در آخرین لحظات با حيله عمرو عاص قرآنرا بر سر نیزه بلند کردند و پیشنهاد صلح دادند ، دشمن با این حيله خواستار حاکمیت قرآن شد و نیرنگ آنان در سپاه علی (ع) کاری افتاد و ناچار حکمیت را پذیرفتند ، در حکمیت معاویه عمرو عاص را برگزید و علی (ع) مالک اشتر را شایسته حکمیت می دانستند ، سرانجام ابوموسی اشعری با نیرنگ به خلافت معاویه رأی داد و معاویه خلیفه مسلمین شد .

2 - سقوط شهر بغداد :- بتاریخ 3 اپریل 1941 میلادی: در مبارزات سیاسی میهن پرستان عراق با دولت انگلستان شهر بغداد بدست رشید عالی گیلانی فرمانده مخالفان انگلیس سقوط کرد ، آلمانی ها از رشید عالی گیلانی حمایت می کردند اما بعد از تصرف بغداد به موقع کمک به او نرسید و قیام وی سرکوب شد .

3 - در گذشت گراهام گرین نویسنده انگلیسی :- بتاریخ 3 اپریل 1991 میلادی: « گراهام گرین » از نویسندگان معاصر انگلستان درگذشت ، او در دوران جنگ به عنوان خبرنگار جنگی در بسیاری از کشورهای جنگ زده خدمت کرد ، او در داستانهای خود خشونت های تاریخ و قربانیان آن را به تصویر کشیده است ، آثار گراهام گرین که به زبان فارسی ترجمه شده اند « وزارت ترس ، سایه گریزان و پایان یک پیوند » را می توان نام برد .

=====

روز شمار، چهارم اپریل

1 - در گذشت پروین اعتصامی :- بتاریخ 4 اپریل 1941 میلادی (15 حمل سال 1320 هجری شمسی) : پروین اعتصامی شاعر ایرانی در 35 سالگی در گذشت ، او در مکتب امریکایی ها تحصیل کرد اما همواره يك زن شرقی باقی ماند ، پروین از چنان تبحری در تکلم زبان انگلیس برخوردار شد که پس از فراغت از تحصیل به مدت دو سال ادبیات انگلیسی و فارسی را در همان مکتب تدریس کرد ، اشعار پروین عموماً در سه قالب (قصیده ، قطعه و مثنوی) اند ، شعر پروین بیش از آنکه شخصی باشد و افکار و احساسات او را بیان کند حاکمان و زور مداران را مخاطب قرار می دهد « قدرت طبع او در شرح و وصف طبیعت و نمایش احساسات انسانی » به خوبی در اشعارش مشهود است ، « دیوان اشعار پروین » ارزشمندترین اثر اوست .

2 - تولد ساموئل مورس مخترع تلگراف :- بتاریخ 4 اپریل 1791 میلادی: « ساموئل مورس » نقاش و مخترع تلگراف متولد شد ، او ابتدا نقاشی می کرد ولی بعدها در پوهنتون بیل به تحصیل فیزیک مشغول شد و درباره قوه برق تحقیقاتی کرد ، مورس در سال 1835 میلادی نخستین دستگاه مورس را ساخت و الفبای مخصوصی برای فرستادن پیام ابداع کرد که به الفبای مورس مشهور است ؛ گفتنی است نخستین پیامی که مورس با تلگراف مخابره کرد این بود : « چنین بود خواست خدا » .

3 - تولد ریچارد رایت نویسنده سیاهپوست امریکایی :- بتاریخ 4 اپریل 1908 میلادی: « ریچارد رایت » نویسنده بزرگ سیاهپوست امریکایی در یکی از شهرهای ایالت (می سی سی پی) در خانواده های فقیر زاده شد ، سراسر زندگی او در رنج سختی سپری شد و حاصل دوران نویسندگی اش کتبی چون « پسرک سیاه ، رانده شده ، شک ماهی و اطفال عمو تو » است .

4- پیمان آتلانتیک شمالی « ناتو » :- بتاريخ 4 اپریل 1949 میلادی: پیمان آتلانتیک شمالی ناتو منعقد شد، در این پیمان سازمان بروکسل متشکل از کشورهای بلجیم، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند و انگلستان، و همچنین کشورهای کانادا و دنمارک، ایسلند، ایتالیا، ناروی، پرتگال، و آمریکا شرکت داشتند، اعضای این پیمان اعلام کردند که حمله به هر یک از کشورهای عضو پیمان ناتو را حمله به همه اعضای آن تلقی میکنند، آلمان، یونان و ترکیه از دیگر کشورهای همی بودند که به این پیمان ملحق شدند، اسپانیا نیز آخرین کشوری بود که به عضویت این پیمان درآمد، تشکیل ناتو از نتایج جنگ سرد محاصره برلین بود، اما بعد از ختم جنگ سرد و بخصوص بعد از فروپاشی اتحادشوروی این سازمان از بین نرفت بلکه ده کشور اروپای مرکزی و شرقی روز شنبه اول می 2004 به عضویت کامل پیمان آتلانتیک شمالی « ناتو » در آمدند که عبارتند از: قبرس، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، مالت، پولند، اسلواکی و اسلوانی، به این ترتیب شمار اعضای اتحادیه اروپا از 15 کشور به 25 کشور افزایش یافت و مساحت آن 25 درصد بیشتر شد و جمعیت آن 20 درصد افزایش یافت و نفوس آن به 450 میلیون نفر خواهد رسید، اتحادیه اروپا از لحاظ جمعیت به بزرگ ترین بازار واحد چند ملیتی در جهان تبدیل خواهد شد، با این حال پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی از لحاظ قدرت اقتصادی همچنان بزرگ تر از این مجموعه باقی خواهد بود.

5 - استقلال کشور سنگال :- بتاريخ 4 اپریل 1960 میلادی: کشور سنگال پس از استقلال، با سر زمین مالی فدراسیون مالی را تشکیل داد اما بعد از بروز اختلافاتی بین دو کشور از عضویت استعفا کرد و در سال 1960 استقلال کامل خود را با نظام جمهوری اعلام کرد .

6 - قتل مارتین لوتر کینگ :- بتاريخ 4 اپریل 1968 میلادی: مارتین لوتر کینگ از چهره های درخشان مبارز سپاه پست آمریکا به دست یک سفید پوست نژاد پرست بقتل رسید لوتر کینگ مبارزه با تبعیض نژادی را پیشینه خود ساخته بود و هموعان خود را از هر خشونت بر حذر می داشت در سال 1963 میلادی جنبش عظیمی به رهبری وی با راهپیمایی بزرگ به منظور رفع تبعیض نژادی و اخذ حقوق سیاهان در آمریکا بر پا شد مارتین لوتر کینگ بواسطه مبارزات صلح آمیز و بدون خشونت در جهان شهرت دارد و در سال 1964 میلادی موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد، راهپیمایی مارتین لوتر کینگ از آلاباما با تقاضای لغو تبعیض نژادی در اتوبوس ها شروع شد، و در دیگر ایالات جنوبی آمریکا به تظاهر علیه هر نوع بروز آپارتاید (به ویژه در مدارس) تبدیل شد و روز 28 اگست سال 1963 میلادی به تجمع وسیعی در واشنگتن انجامید که مارتین لوتر کینگ در آن جمع جمله ی معروف خود « من رویایی دارم (I have a dream) » را ادا کرد، جالب است بدانیم او با وسواس به راهپیمایان تذکراتی در جهت رعایت عدم خشونت داده بود و حتی توصیه کرده بود . (I) « مواظب جاده و پیاده رو و مرز بین آن ها باشند و از کنار حرکت کنند» (2). راهپیمایی ها همه آهسته، در سکوت و صلح جویانه با امید به پیش برد حقوق انجام شد، البته تبعیض نژادی با کندی پس رفت اما شیوه ی آرام هم مانع قتل مارتین لوتر کینگ نشد.

=====

روز شمار، پنجم اپریل

1 - زاد روز توماس هابز :- بتاريخ 5 اپریل 1588 میلادی: توماس هابز Thomas Hobbes فیلسوف و نویسنده انگلیسی به دنیا آمد و 91 سال عمر کرد و 4 دسمبر سال 1679 میلادی در گذشت « توماس هابز » انسان را موجودی ذاتا خودخواه، قدرت طلب، خواهان سلطه بر همنوع و استعمار دیگران دانسته است . تالیفات مهم او « لوی یاتان (غریت دریایی) » ، پیشنویس فلسفی رابطه حکومت و جامعه، مسائل مربوط به آزادی و ضرورت و فرصتها، بحث فیلسوف و دانشجو، علل جنگ داخلی انگلستان، و « ایلیاد و ادیسه » اند، فرضیه « هابز » در باره حکومت، وی را به صورت یکی از پدران علوم سیاسی در آورده است، « هابز » که واقعیت عقاید و فرضیه های او هر روز آشکارتر از روز پیش می شود، طبیعت بشر را در ارتباط با نفس خود و جامعه تعریف کرده و گفته است که رفتار یک انسان تابع خود خواهی ذاتی اوست و سه عامل باعث منازعه انسانها می شود: رقابت بر سر منابع محدود برای تملک، بی اعتمادی نسبت به یکدیگر، و بالاخره عشق و علاقه وافر به جلال و شکوه (قدرت)، وی تصریح می کند که تا این عوامل وجود دارد نزاع (جنگ) و در نتیجه ترس از میان نخواهد رفت و در چنین محیطی همه چیز نامطمئن است.

به اظهار « هابز »، تا بی اعتمادی نسبت به دیگران در زندگانی روزمره وجود داشته باشد بیم و خطر نزاع و جنگ هم ادامه خواهد داشت، پیشرفتهای مادی و ساختن شهرهای قشنگ، طبیعت انسان را تغییر نمی دهد، متمدن ترین کشور اگر بر کشور دیگر پیروز شود نسبت به مغلوب رفتاری وحشیانه خواهد داشت، «هابز» نوشته است که در غیاب یک قانون بین المللی دارای ضمانت اجرایی استوار و اطمینان بخش، کشورهای ضعیف شکار قوی تر ها می شوند، و به همین گونه انسانها، برای تحت کنترل در آوردن این وضعیت در یک جامعه ملی و بر طرف کردن احساس ترس و تامین آسایش و جلوگیری از تجاوز افراد به حقوق و آزادی یکدیگر نیاز به یک دولت نیرومند در آن جامعه است که بتواند بر خود خواهی افراد فائق آید، چنین دولتی باید توانمندی همه جانبه و قدرت تمام عیار داشته باشد و این قدرت حاکم باید متناسب با نیاز روز عمل کند، « هابز » گوید که قدرت حاکم باید حس استعمار فرد از افراد برای حصول به برتری و زندگانی بهتر را مهار کند تا آرامش برقرار باشد، « هابز » در باره شرایط دولت گوید: دولت - فرد یا گروه - وقتی مشروعیت حکومت کردن خواهد داشت و مردم باید اختیار و سرنوشت خود را به آن بسپارند که همه اتباع را به یک چشم نگاه کند و تبعیض قائل نشود، یک دولت نباید کاری کند که به اتباعش آسیب و زیان وارد آید .

در برابر، اتباع هم باید وفادار باشند و از انجام تکالیف شانه خالی نکنند، « هابز » تاکید بر یافتن راهی جهت پایان دادن به احساس تنفر آشکار و پنهان میان انسانها و جوامع دارد و هنر دولت را در تحقق این امر می داند، دولت باید مانع تنازع مردم بر سر منافع و ربودن آن توسط قویتر ها و زرنگتر ها شود، هدف یک دولت از مجازات افراد نه تنها باید اصلاح مقصر بلکه " تنبه " دیگران باشد، نه چشم در برابر چشم.

هابز، قانون طبیعی و طبقه بندی آن را به تفصیل شرح داده و آن را به قانون عمومی تعبیر کرده که افراد را از انجام کارهایی منع و به انجام اموری تشویق می کند و همه تاکید او بر این است که اگر در جامعه (ملی و بین المللی) کنترل خود خواهی افراد از دست حاکم و مجری قانون (قانون طبیعی - عام) خارج شود صلح و آرامش، آزادی و امنیت، سعادت و آسودگی خیال رخت بر خواهد بست و برقرار کردن مجدد نظم، کاری آسان نخواهد بود، به این ترتیب، « هابز » اهمیت ویژه برای دستگاه قضایی یک جامعه قائل است و بر عادل و بی نظر و عالم بودن قاضی تاکید می کند و آن را موجودی کمیاب و در نتیجه گرانبها می داند، « هابز » در جای دیگری از نوشته هایش 15 اصل برای کنترل خودخواهی افراد بیان داشته که مهمترین اصل آن نفی و تقبیح نخوت است.

2- خروج هالند از سلطه اسپانیا :- بتاريخ 5 اپریل 1585 میلادی : قتل عام وحشت ناک هارلم در شهری به همین نام که مرکز اس‌تقلال طلبان هالندی بود به دستور فیلیپ دوم شاه اسپانیا بوقوع پیوست در این قتل عام 6000 تن از اس‌تقلال طلبان و آزادیخواهان هالندی کشته شدند اما سر انجام در سال 1609 میلادی هالند از سلطه اسپانیا خارج شد و به استقلال رسید.

3 - معاهده « بال » در سویس :- بتاريخ 5 اپریل 1795 میلادی : معاهده « بال » در شهری به همین نام در سویس میان جمهوری ری فرانسه و دولتهای پروس ، اسپانیا ، و هالند به امضا رسید ، به موجب این معاهده دولتهای سه گانه (هالند ، اسپانیا ، و پروس) در جنگ با سپاهیان فرانسه شکست خورده بودند متعهد شدند که در امور داخلی فرانسه دخالت نکنند این کشورها همچنین " بلجیم" و اراضی ساحل چپ رود رن ، را به فرانسه واگذار کردند.

4 - اعدام دانتون یکی از رهبران انقلاب فرانسه :-: بتاريخ پنجم اپریل سال 1794 میلادی : ژرژ ژاک دانتون، از رهبران انقلاب فرانسه با جمعی از یارانش از جمله « کامیل دو مولن» در ملاء عام با گوتین گردن زده شدند، دادگاه انقلاب پاریس به اشاره « روبسپیر» - رهبر افراطیون چپ و گرداننده کمیته امنیت ملی - « دانتون» و یارانش را در يك محاکمه بسیار کوتاه به جرم مماشات ، تجدید نظر طلبی در اهداف انقلاب ، و گرفتن پاره ای از اختیارات کمیته انقلاب و استرداد آنها به سازمانهای دولتی به اعدام محکوم کرد که همان روز حکم به اجراء درآمد، با اعدام « دانتون» و همفکران میانه رو او، دوران وحشت در فرانسه به اوج خود رسید و فرانسویان را به خود آورد؛ به گونه ای که 3 ماه و 23 روز بعد «روبسپیر» و 21 تن از همفکرانش به همان صورت با گوتین گردن زده شدند و دوران اعدام و وحشت پایان یافت، دوران قدرت «روبسپیر» يك سال طول کشیده بود و در این مدت به هرکس که ظنین می شدند برچسب تجدید نظر طلب ، برگشته از انقلاب ، سازشکار و ... می زدند و اعدام می کردند، بعدا معلوم شدکه اتهامات وارده به افراد عموما ادعا و واهی بود، بررسی های بعدی نشان داد که ادعای کمیته برضد دانتون نیز بی پایه بود و وی به اساس انقلاب و هدفهای آن وفادار مانده بود.

گوتین Guillotine که شنیدن نام آن - از آغاز انقلاب تا پایان دوران وحشت - ریشه بر اندام فرانسویان می انداخت در 1789 توسط دوکتور « ژوزف گوتین» اختراع شده بود تا مرگ محکوم بدون احساس درد باشد و اعدام جنبه انسانی داشته باشد، دوکتور « گوتین» در يك جلسه مجلس ملی فرانسه هنگام تشریح طرز کار این دستگاه گفته بود : از آنجا که هدف از مجازات اعدام ، حذف دائم فرد به دلیل خطرش برای جامعه و اصلاح نشدنی بودن اوست زجر کش کردن مغایر شئون انسان است ، و دستگاهی که ساخته برای مرگ فوری و بدون احساس درد و رنج است، قبلا گردن محکوم به اعدام باتیر زده می شد و در موارد بسیار ، جلاذ باید چند بار ضربه می زد و تیغه تیز و سنگین گوتین و سرعت فرود آن و قرار گرفتن گردن در شکاف دستگاه از مرگ زجر آور جلو گیری می کرد و به همین دلیل مجلس فرانسه رای به استفاده از آن داده بود که در کمتر از سه سال با آن متجاوز از 25 هزار گردن زده شد از جمله گردن پادشاه فرانسه و همسر او و بسیاری از مقامات ، انقلابیون و حتی دانشمندان چون لاوازیه.

5 - نام سرکوب کننده قیام هندیان بر هشت شهر :- بتاريخ 5 اپریل سال 1795 میلادی : هنری هاوлак Henry Havelock جنرال انگلیسی به دنیا آمد، اما در جریان قیام ضد انگلیسی هندیان در سال 1857 کشته شد، او که در سال 1823 ماموریت هندوستان یافت نیروهای انگلیسی را در جنگ اول انگلستان با افغانها (1838 - 1839) میلادی و نیز در جنگ با سیکهای هند فرماندهی کرد تا پایه استعمار انگلستان بر شبه قاره هند را استوار سازد، هندیان که از استعمار انگلستان به ستوه آمده بودند در سال 1857 میلادی بر ضد آنان دست به يك قیام مسلحانه خونین زدند و جنرال « هاوлак » مامور سرکوبی قیام در شهرهای " کاونپور - لوکنو " شد، قیام يك شهر را با خشونت تمام سرکوب کرد و در شهر دیگر به دست قیام کنندگان کشته شد، با این که سرکوب قیام مردمی که نمی خواستند نوکر و استعمار شوند کار چشمگیری نبوده است، معذک نام این جنرال را در چهار کشور بر هشت شهر گذارده اند: سه شهر در امریکا ، دوشهر در کانادا ، دوشهر در نیوزیلند و يك شهر در سوازیلند (جنوب افریقا).

=====

روز شمار ، ششم اپریل

1 - تولد فرانسیسکو گویا صورتگر برجسته قرن 18 :-: بتاريخ 6 اپریل سال 1746 میلادی : فرانسیسکو گویا F. Goya نقاش نامدار اسپانیایی به دنیا آمد و 82 سال عمر کرد، وی از سال 1792 به تدریج ناشنوایی دچار شده بود ولی این بیماری از فعالیت های هنری او را کاهش نداد، «گویا» پس از دیداری نسبتا طولانی از ایتالیا به وطن باز گشت و به فعالیت هنری پرداخت، با این که جمهوری خواه بود کمکهای دربار سلطنتی اسپانیا را رد نکرد، در بیشتر آثار او زن و کودک در کنار هم دیده می شوند.

2 - نخستین قیام بردگان سیاه :-: بتاريخ 6 اپریل سال 1712 میلادی : بپاخیزی گسترده بردگان سیاهپوست در امریکای شمالی در منطقه نیویورک آغاز شد و هفته ها طول کشید ، در آن زمان این قسمت از امریکای شمالی مهاجر نشین انگلیسی و متعلق به این کشور بود، بپاخیزی بردگان سرانجام توسط میلیشیای محلی سرکوب و چهارم جولای 12 تن از بردگان که محرک قیام تشخیص داده شده بودند اعدام شدند.

3 - نخستین اعلان جنگ امریکا به المان :-: بتاريخ 6 اپریل سال 1917 میلادی : در ساعت يك و 18 دقیقه بعد از ظهر به وقت واشنگتن ، دولت ایالات متحده برغم مخالفت المانی تبار های این کشور در سومین سال جنگ جهانی اول به المان اعلان جنگ داد و به اروپا سرباز فرستاد و این اقدام سر آغاز ورود امریکا به میدان سیاست جهان شد که پس از جنگ جهانی دوم يك ابر قدرت شد و از 1991 که شوروی به دست چند مقام خود همانند خوردن آب منحل گردید ، دولت دیگری را معارض نمی بیند، «وودرو ویلسون» رئیس جمهوری وقت امریکا دوم اپریل از کنگره این کشور خواسته بود که اجازه دادن اعلان جنگ به المان را به او بدهد، سنای امریکا با 90 رای موافق در برابر 6 رای مخالف پیشنهاد « ویلسون» را تصویب کرد و این پیشنهاد با 373 رای موافق در برابر 50 رای مخالف به تصویب مجلس نمایندگان امریکا هم رسید، « لوید جورج» نخست وزیریا صدراعظم وقت انگلستان بلافاصله اقدام « ویلسون» را به او تبریک گفت و اعلام داشت که این اقدام بهترین فرصت را برای ورود امریکا به باشگاه قدرتهای جهانی فراهم می آورد.

« ویلسون» همزمان با دادن اعلان جنگ به المان آمادگی خود را به دادن دومیلیارد دلار قرض به انگلستان و فرانسه اعلام داشت، این اقدام سر آغاز ورود امریکا به میدان سیاست جهان شد که پس از جنگ جهانی دوم به صورت یکی از دو ابر قدرت درآمد و از سال 1991 میلادی که شوروی به دست چند مقام خود همانند قطعه یخ ذوب و سپس بخار شد؛ تنها ابر قدرت باقی مانده و يکه تاز شده است، چین ، روسیه ، اتحادیه اروپا و هند معارضین بالقوه امریکا خوانده شده اند که روسیه هنوز گرفتار مسائل داخلی است و اتحادیه اروپا مایلست به جاي معارض ، شریک امریکا باشد و دولت امریکا مساعی لازم را بکار می برد که هند را به خود نزدیک کند و به صورت يك

دوست در آورد ، ولي به نظر مي آيد كه دامنه اختلاف نظر هاي چين و امريكا رو به گسترش است، چين يك قدرت اقتصادي شده و مسائل روسيه و هند و نياز مندي و ضعف هاي اتحاديه اروپا را ندارد.

4. در گذشت محمد بن علي بن قاسم يكي از اديبان :- بتاريخ 15 صفر سال 568 هجري قمری: «محمد بن علي بن قاسم» معروف به «دلال الكُتب» از جمله اديبان مشهور قرن 6 هجري قمری در بغداد در گذشت، از او اشعار زیبایی بجاي مانده است همچنين كتابي بنام لمح الملح – ديوان اشعاري كه به وي منسوب است گواه طبع شاعرانه اوست، از ديگر كتابهاي مشهور دلال الكُتب اثری است كه «زينة الذهر و عصره اهل العصر» خوانده مي شود .

=====

روز شمار، هفتم اپريل

1 - اندیشه هاي " گوستاو لاندانور " و سوسياليسم :- بتاريخ 7 اپريل سال 1870 ميلادی: «گوستاو لاندانور» فيلسوف و نويسنده چيگراي المان به دنيا آمد، وي بر افكار « كرويتكين » و « باكونين » با كمي پالایش تعريف نوشت و به صورت اصول در آورد، او در كتاب خود تعريف تازه اي از سوسياليسم به دست داده و نوشته است كه سوسياليسم ، تنها بر آورده ساز عادلانه نياز هاي مادي افراد و به عبارت ديگر « عدالت مادي (اقتصادي) » نيست، بلكه بايد عدالت معنوي ميان مردم را هم برقرار سازد تا روح و روان آنان ارضاء و اقناع شود، «آرزوي زندگاني در محيط عدالت عمومي» طبيعت مشترك بشر است و براي رسيدن به آن آمادگي اتحاد و بستن پيمان و بذل مساعي دارد، و اين دولتها و حاكمان هستند كه به خاطر باقي ماندن در قدرت، قدرتي كه به داشتن آن عادت کرده اند و طبيعت ثانوي شان شده است با توسل به دستاويزهاي گوناگون مانع از اين اتحاد و مساعي مي شوند و سنگ اندازي مي كنند؛ بنابراین قدرت دولت بايد به شوراها كه شرط عضویت در آنها انساندوستي و معنويت باشد سپرده شود، « لاندانور » نوشته است: هر جا كه طبقه زحمتکش (وركينگ كلاس) احساس استثمار شدن كند، وقوع انقلاب قابل پيش بيني است و نمي توان با توسل به زور براي مدتي طولاني مانع از وقوع آن شد، بشر كارگر مي داند كه چه كساني از دسترنج او برخوردار مي شوند و كينه استثمار شده نسبت به استثمارگر روز افزون است و روزي به انتقام تبديلي مي شود، در نظر كارگر، سرمايه با زحمتي كه او تحمل مي كند قابل مقايسه نيست، وي نوشته است كه خواست عدالت عمومي (به زعم لاندانور؛ سوسياليسم) واقعيست است در نهاد هر انسان ، و تنها گروهی كم با نيروي زياد هستند كه نمي گذارند بشر براي رسيدن به آن آرزو با هم متحد شود، اين گروه كوچك دست به هر اقدامي مي زند تا اين نيروي زياد (از جمله حكومت) را از دست ندهد، «لاندانور» كه افكار فلسفي خود را به صورت داستانهاي کوتاه هم براي درك مردم عادي مي نوشت می سال 1919 ميلادی در مونيخ المان در پي يك تظاهرات به دست نظاميان كشته شد.

2 - عمل درست عامل شادي :- بتاريخ 7 اپريل سال 1773 ميلادی : جيمز ميل (پدر جيمز استيوارت ميل) فيلسوف و تاريخدان انگليسي و مولف « تاريخ هندوستان انگلستان » به دنيا آمد، وي از فلاسفه { يوتيليتاريانيسم * Utilitarianism } است، او در رابطه با اين فلسفه، كتاب « تحليل پديده هاي تفكر انسان » را نوشته است اين فلاسفه – همانند زرتشت – عمل درست را عامل شادي مي دانند و تاكيد بر اين دارند كه يك انسان بايد بگوشد كه اواخر عمر احساس شادي را از دست ندهد.

{ * يوتيليتاريانيسم يا فلسفه اصالت سود عبارت است از : وقتی در ميان مكتب های فکری غرب غوطه ور می شویم، به اندیشه های مبتنی بر «فايده» طلبی و «سود» خواهی برمی خوریم. اين تفکر در ميان اندیشه مندان غرب از قرن های گذشته، کم و بيش وجود داشته است، البته قبلاً به صورت يك فلسفه نبود و تنها در ميان فهرست اصول عقايد سياسي برخی از متفكران قرار داشت، اين فلسفه فايده باور كه تا به حال تغييرات و فراز و نشيب هاي بسياری را به خود ديده است، برای سود شخصی و يا سود اكثريت، اهميت ويژه ای قائل است، البته اين نكته را متذکر می شويم كه يوتيليتاريانيسم (1) يا فلسفه سودخواهی غير از اصطلاح اپورتونيزم يا فرصت طلبی (2) است، اپورتونيزم يا ابن الوقت به کسی گفته می شود كه بر حسب دگرگونی اوضاع به خاطر سود شخصی، تغيير جهت می دهد، بنا بر اين، اين افراد، همواره به سوی قدرت وقت گرايش دارند و پای بند اصولی نيستند و يا اصول خود را فدای منافع شخصی خود می كنند، اما آنان كه طرفدار فلسفه سودخواهی اند، غالباً فلاسفه ای هستند كه ميزان ارزش گذاری هر عملي و يا چیزی را سود آن عمل و يا آن شيء می دانند، پس از آن كه، به طور مختصر به اندیشه مندان مكتب اصالت سود اشاره كرديم، فرق اين دو، بهتر روشن خواهد شد. **اولين جرقه ها :** اولين جرقه های پيدایش اين فلسفه را می توان در قرن شانزده ميلادی جستجو كرد، در اين بزه، به نام «هاليفاكس» (يکی از رجال نامی انگليس) برمی خوريم، او اگر چه يك فيلسوف نبود اما عقايد وی مقدمه پيدایش « يوتيليتاريانيسم » در قرن هجده محسوب می شود، وقتی فهرست اصول عقايد وی را مرور می كنيم به مسئله مصلحت و سازش برمی خوريم، او می گفت دو اصل اساسی كه حافظ حكومت اند، عبارت اند از: مصلحت و سازش، بعد از او به «توماس هابز» كه می رسيم، ملاحظه می كنيم او نيز طرفدار همين فلسفه سودخواهی يا مفيد بودن است، او دولت را تنها به سبب مفيد بودن آن به حال افراد، لازم می شمارد، « هابز»، فلسفه وجود حكومت و سبب بقای آن را " مفيد بودن آن " به خاطر حفظ امنيت می داند، يکی از نظريات وی كه در آن گرايش به فلسفه اصالت سود مشاهده می شود اين است: « چون محرك همه رفتار های انسانی، منفعت شخصی است، جامعه را بايد تنها وسيله ای برای نيل به اين هدف دانست » هابز، اطاعت و احترام نسبت به قانون را به هيچ وجه بر اساس عقلانيت نمی داند، مگر اين كه احترام به قانون، موجب تأمين منافع بیشتری برای فرد شود و اطاعت از دولت بيش از عدم اطاعت از دولت به فرد فايده رساند، در فلسفه وی، مصلحت و خير اجتماعی محلی نداشته و موضوعيت ندارد و جای خير جامعه را مجموعه ای از منافع شخصی پراکنده، اشغال کرده است.

يك فرضيه : در سال های 1730 تا 1740م، فرضيه خامی رشد و نمو كرد، اين فرضيه بعدها به تقويت " يوتيليتاريانيسم " (كه ما از آن به فلسفه سودخواهی تعبير می كنيم)، كمك فراوانی كرد، اين فرضيه بعدها در سال 1758م توسط « هلوئيوس »، متفكر فرانسوی از مركز تولد آن (يعنی انگليس) به فرانسه آمد، هلوئيوس آن را « فلسفه اخلاقی سودجویی » (3) نام نهاد، اما آن فرضيه خام چه بود؟ آن فرضيه اين بود كه محرك اعمال آدمی و افعال آن، دو غريزه ابتدایی است، اين دو غريزه عبارت اند از: « ميل به لذت » و « اجتناب از درد »، ساير انگيزه های پيچيده انسان، از مشتقات اين دو هستند، آدمی همواره در پی آن است كه حداكثر مسرت و شادی را به دست آورد و در ضمن تلاش می كند درد را به كمترين حد ممكن برساند، به خوبی می بينيم تئوری خامی كه در انگليس متولد شد، در فرانسه رشد يافت، در انگليس اين فرضيه متعلق به فرقه مسیحی ارتودوكس بود و جنبه مذهبی داشت ؛ زیرا ارتودوكس ها برای فرضيه وجود درد و لذت در جهان آينده و پس از مرگ، اهميت قائل بودند، در فرانسه، « هلوئيوس » به آن، جنبه ای دنیوی داد و اين قاعده را به قواعد قانون گذاری كشور اضافه كرد و آن را اساس اصلاحات قرار داد، او می گفت: « بايد هدف قانونگذاران اين باشد كه لذت افراد را به نحو اكمل با

مصالح عامه وفق دهند»، او در کتاب «در باب روح» می‌نویسد: «اخلاقیون، مدام در باب بدی ذات مردم (انسان‌ها) سخن می‌گویند، این نکته نشان می‌دهد که چه قدر کم، حقیقتِ مطلب را درک کرده‌اند، مردم بد نیستند؛ آنها تنها تبعیت از منافع خود می‌کنند... از بدی مردم نباید شکایت کرد؛ بلکه باید از جهل اعضای قوه مقننه شکایت کرد که همیشه منفعت افراد را در نقطه مقابل منافع عامه قرار داده‌اند (به عبارت دیگر تلاش نکرده‌اند بین این دو منفعت، توافق ایجاد کنند)» او اصل «کسب بزرگترین مسرت» را محور اندیشه اصلاح‌طلبانه خویش قرار داد و فرضیه خود را به دست یکی از پیروان خود به نام جرمی بنتام (فیلسوف انگلیسی) سپرد، بنتام این فلسفه را از «هلونیوس» آموخت و بعد به انگلیس برگشت، او که یکی از برجسته‌ترین مفسرین فلسفه اصالت سود (فایده‌گرایی) به شمار می‌آید، در سال 1772م، به عضویت مجمع وکلای عدلیه درآمد و مقالاتی که می‌نوشت در قوانین مصوب در انگلیس، تأثیراتی در خور توجه داشت، در سال 1789م کتابی تحت عنوان «مقدمه‌ای بر اصول اخلاقی و قانونگذاری» نگاشت و در آن آیین سودجویی خود را شرح داد، بنتام در آن کتاب، لذت و درد را تنها مظاهر خیر و شر شمرد و هدف قانونگذاران را این مطلب دانست که: «حداکثر لذت را برای حداکثر افراد فراهم سازند». این جمله او را کلید فلسفه وی می‌خوانند، بنتام اولین مروج جدی فلسفه سودخواهی است، به‌گونه‌ای که بعضی او را مؤسس «یوتیلیتاریانیسم» می‌دانند که البته چنین نیست، فلسفه او را در چهار مطلب می‌توان خلاصه کرد: (اول: میزان ارزشگذاری هر چیز و یا هر عملی درجه سودمندی آن است. - دوم: اخلاقیات بر اساس جلب نفع شخصی، استوار است. سوم: لذت، تنها مظهر خیر است و درد، تنها مظهر شر و لذت و درد، علت رفتار انسان و مقیاس ارزشگذاری آن است. چهارم: مسرت بیشتر، از آن گروه بزرگتر است. مسلک او ابتدا به «بنتامیسم» و بعد به «یوتیلیتاریانیسم» معروف شد، در میان دیگر متفکران، «ژان بودن» فرانسوی و «دیوید هیوم» (فیلسوف شکاک معروف) و «ادموند برک» فیلسوف ایرلندی گرایش‌هایی به فلسفه سودجویی از خود نشان داده‌اند، به عنوان مثال، «ادموند برک» می‌گوید: «قراردادهای اجتماعی مبتنی بر عادت و سنت که مقیاس سنجش و تعیین ارزش در جامعه‌اند، عموماً بر پایه اصالت سود (فایده / منفعت) به وجود آمده‌اند و بر همین اساس استوارند، نه بر اساس آسایش فرد و یا حقوق مطلق فرد». «یوتیلیتاریانیسم»، اصلاحات و همچنین انتقادات و حملات فراوانی به خود دیده است که فقط به برخی از آنها اشاره می‌کنیم و مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه را به خوانندگان عزیز می‌گذاریم.

«جان استوارت» میل (فیلسوف انگلیسی)، اصلاحاتی در این فلسفه به وجود آورد، او همان معیار حداکثر لذت را پذیرفت، اما برای لذت، درجاتی قائل شد و بعضی لذت‌ها را ذاتاً مقدم بر دیگر لذت‌ها دانست، «مارکس»، دموکراسی و لیبرالیسم سودگرا (یوتیلیتاریان) را به «ایدئولوژی‌های عجیب و خاص طبقه بورژوا (سرمایه‌دار)» معنا کرد، «نیچه» نیز به این فلسفه حمله کرد و گفت: «این اشتباه است که تصور شود مردم (یعنی انسان‌ها) طالب لذت و در جستجوی مسرت‌اند، تنها انگلیسی‌ها و عده‌ای از لطیفه‌گویان سودگرا (یوتیلیتاریان) و بورژواها این‌گونه هستند، غریزه طبیعی و سالم توده‌ها طالب فلسفه پیروی از پیشواست و طالب فلسفه‌ای است که توده‌ها را در مکان خودشان (یعنی در طبقه پایین) قرار دهد و پیرو امر پیشوا و رهبرشان باشند».

منابع:

1. چهار پراگماتیست، اسراییل اسکفلر، ترجمه: محسن حکیمی، تهران: مرکز، 1366.
2. پراگماتیسم، ویلیام جیمز، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1370.
3. فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات و دیگران، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، 1381.

بر می‌گردیم به روز شمار رویدادها:

3- حمله دولت ایتالیا به شورآلبانی: - بتاريخ 7 اپریل 1939 میلادی: حمله دولت ایتالیا به شورآلبانی آغاز شد، ایتالیا برای تحکیم موقعیت خود در دریای مدیترانه و تسلط بر دریای آدریاتیک و همچنین فراهم کردن مقدمات حمله به یونان و دیگر اهداف خود به آلبانی حمله کرد، میهن پرستان آلبانی سرسختانه مقاومت کردند اما سرانجام از قوای ایتالیا شکست خوردند و این کشور به تصرف ایتالیا درآمد.

4- درگذشت مخترع موتور: - بتاريخ 7 اپریل 1947 میلادی: هنری فورد مخترع موتور، و از محققان امریکایی در 84 سالگی درگذشت، هنری در خانواده ۷ تنگست درگیرین فیلد متولد شد و از همان کودکی به امور فنی و صنعتی علاقمند بود، فورد در سال 1896 میلادی نخستین موتور را اختراع کرد و به هنگام مرگ ثروتی هنگفت بجای گذاشت.

5- حق توسل به رئیس کشور و پارلمان: - بتاريخ 7 اپریل سال 1689 میلادی: پارلمان انگلستان حق دادن عریضه مستقیم به پادشاه انگلستان را برای اتباع این کشور تضمین کرد که بعداً سایر کشورها آن را اقتباس کردند، از سه قرن پیش رسم بر این شده است که هفتم اپریل هر سال را «روز حق دادن عریضه مستقیم به رئیس کشور و یارنیس پارلمان» بخوانند، علت وضع این قانون که در انگلستان به پارگراف پنجم معروف شد این بود که پادشاه وقت نسبت به عریض مردم بی‌اعتنایی می‌کرد، دستگاه قضایی هر کشور مرجع رسیدگی به شکایات و حق خواهی است؛ بنابراین رسم شده است که «توسل به رئیس کشور و یا رئیس پارلمان» را حق تازه برای اتباع بشمار آورند و حق خواهی عنوان دهند، عریضه به رئیس کشور می‌تواند سرگشاده باشد یعنی به صورت آگهی در روزنامه‌ها چاپ شود، این عریض مشمول سلسله مراتب اداری نخواهند بود و از این عریض در محاکم قضایی بر ضد عریضه دهنده نمی‌توان استفاده کرد، رسیدگی به این عریض نوعی تکلیف حکومت و پاسخ دادن به آنها قطعی (الزامی) است و بعداً پاسخها می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، به همین سبب در جوار دفاتر روسای کشورها یک دفتر ویژه رسیدگی به این عریض (بازرسی اختصاصی) و در پارلمانها کمیسیون عریض دایر شده است در انگلستان قرن 17 رئیس مجلس نمایندگان (عوام) برای اطمینان از رسیدن این نامه‌ها به دست رئیس کشور، خود را واسطه این کار قرار داده بود و عنوان «سپیکر یعنی سخنگوی مردم نزد رئیس کشور گرفته است، بعداً هر پارلمان دارای یک کمیسیون عریض شده است که مکلف است پس از رسیدگی کامل به شکایات واصله از عمل مقامات دولتی نتایج را اگر عام المنفعه باشد اعلام دارد تا همگان آگاه شوند.

اگر تاریخ را مرور کنیم خواهیم دید که پیش از پارلمان انگلستان، در شهر رم مردم می‌توانستند عریض خود را در «فوروم» مطرح کنند و یا در همانجا مستقیماً به امپراتور بدهند، در همجواری کشور فعلی ماهمچنان خسرو انوشیروان و شاه عباس شخصاً به عریض مردم رسیدگی می‌کردند، طبق خاطرات طبیب ویژه «مانو» رهبر چین، وی هر روز درست نیمی از ساعات کار خود را به خواندن نامه‌های مردم اختصاص داده بود، به دستور او در میدانهایی بزرگ شهرهای چین تابلوهای سیاه بزرگ نصب کرده بودند تا اگر کسی شکایتی دارد روی آن بنویسد و هر چند ساعت یکبار ماموران ویژه از این شکایات رونوشت بر می‌داشتند و به دست مانو می‌رساندند، همچنین وی دستور داده بود که در روستاها صندوق نامه نصب کنند تا از درد دل روستا نشینان آگاه باشند.

6 - روزی که مسیح مسیحی مصلوب شد :- بتاريخ 7 اپریل سال 30 میلادی: طبق برخی محاسبه های « عیسی (ع) * » به دستور حکمران رومی فلسطین مصلوب شد، مسیحیان در کشورهای مختلف با چند روز تفاوت آن را که به « ایستر» و « Good Friday» معروف است در ماه اپریل برگزار می کنند، پیام آور مسیحیان هنگام مصلوب شدن 33 ساله بود.

7 - چین هم در جست و جوی نفت :- بتاريخ 7 اپریل سال 2004 میلادی : چین که هر سال 681 میلیون بشکه نفت (تقریباً دو میلیون بشکه در هر روز) از خارج وارد می کند 7 اپریل 2004 اعلام داشت که در شمال شرقی این کشور موفق به کشف یک میدان نفتی تازه شده است که می توان دست کم دو میلیارد بشکه از آن استخراج کرد، چین که در حال حاضر دو سوم نفت مورد نیازش را از تولید داخلی به دست می آورد ، اخیراً دو شرکت نفتی بزرگ خود ، سینوپک و کونگ ، را مامور کرده است که همانند شرکتهای نفتی غرب در کشورهای دیگر در جست و جوی عقد قرارداد تولید و بهره برداری نفت باشند.

{ * عیسی مسیحی : در 30 سالگی رسالت خود را آغاز کرد و نخست قوم بنی اسرائیل را به دین توحید دعوت نمود و به آنان گفت من برای تان حکمت آوردم، آمدن تا اختلافات میان شما را از بین ببرم من فرستاده خدا بسوی شما، تورات را تصدیق نموده و به رسولی که بعد از من میاید و نامش (احمد) است بشارت میدهم ، عیسی مسیحی برای اثبات سخنان خود معجزاتی از جانب خداوند (ج) صورت داد ، لکن اکثریت قوم سخن او را نپذیرفتند ، تکبر ورزیدند علمای آنان ، عیسی (ع) را از ایمان آوردن این قوم مایوس ساخت و آنگاه حواریون را بر گزید تا در راه خدا دعوتی به دین یار او باشند صداي مسیح توده های محروم و زجر کشیده را از هر سو فرا میخواند، و چون زنجیران آنرا بهم می پیوست تانطفه انقلاب بی نظیری را به آرامی در جهان آنروز تکمیل دهد، اما توطئه هاو دسایس دشمنان حضرت مسیح مجال آنرا نداد که عیسی (ع) انقلاب عظیم خود را تکامل و تداوم بخشد و نخستین بار این خیانت از جانب همان قومی آغاز شد که از پذیرش عیسی مسیح به پیغامبری خداوند سرباز میزدند، و یهودا، یکی از حواریون عیسی مسیح در میان آنان بود، او بود که بانفاق ودو روئی دین او را پذیرفت و در خفا با سرکردگان روم حکم قتل عیسی مسیح و به صلیب کشیدن او را صادر کرد، تاریخ در اینجا ننانوایسته است به درستی قضاوت کند که آیا عیسی مسیح بر صلیب کشیده شد یا نه ؟، آنچه رومیان دیدند این بود که شخصی صلیب بر دوش تپه را می پیماید تا تاوان جهالت قومی را بدهد، اما آنچه به صراحت از روایات اسلامی بر میاید اینست که عیسی (ع) قبل از آنکه بر صلیب رومیان کشیده شود به سوی خداوند (ج) فرا خوانده شد.

مسیحیان از آن پس برای تبلیغ دین عیسی بیش از هر چیز بر چهار انجیل متی، مرقس، لوقا، و یوحنا تکیه نمودند که خود بر اساس نامه های پولس و پطروس، یعقوب یوحنا و یهودا تألیف گشته بود .

الف/ انجیل متی : قدیمی ترین انجیلی است که انتشار یافته و تاریخ آن به سال 38 میلادی ذکر شده است .
ب / انجیل مرقس : که از شاگردان پطروس حواری بود در سال 61 میلادی تألیف شد اما علمای مسیحی چندان توجه به آن نشان نه دادند، زیرا که مرقس عقیده به خدای مسیح نداشت و او را به عنوان پیغمبری که رساننده شرح الهی بود معرفی نمود.

ج / انجیل لوقا : توسط فردی نوشته شد که نه حواریون بود و نه مسیح را دیده بود و می شناخت، او عقاید مسیحیت خود را از پولس گرفت، پولس یکی از یهودیان متعصب بود و در ابتدا پیروان عیسی مسیح را سخت مورد آزار قرار میداد ولی فردیست که ارکان مسیحیت کنونی را محکم کرد و بسیاری از عقاید خود را که یا در بت پرستی ریشه داشت یا در یهودیت به دین مسیح وارد نمود و لوقا نیز انجیل خود را بر اساس سخنان او تألیف کرد .

د / انجیل یوحنا : در مورد انجیل یوحنا نیز عقاید بسیاری وجود دارد گفته اند که روحانیون و استتف های آسیاه نزد، یوحنا که فرزند یکی از حواریون مسیحی بود رفته واز او درخواست کردند که انجیل جدیدی بنویسد ، ودر آن لاهوت مسیحی یعنی (مخلوق نبون حضرت مسیح) را شرح دهد، دلیل این امر وجود عقاید مخالفی بود که حضرت مسیح را تنها مخلوق خدا و پیامبر، او می دانست علی الرغم این روایات مختلف و برخی انحرافات که از نخستین قدم در دین مسیح رسوخ نمود ، مسیحیت آن قدرت و صداقت را داشت که بتواند مرجعی برای بی پنایان و درماندگان باشد از اینروست که تا قرن سوم میلادی یک سوم خاک اروپا دین مسیح را پذیرفتند و آنرا در اقسا، نقاط امپراتوری گسترش دادند .

صفحه 5 تا 7 کتاب طعم نا حوشایند استعمار تألیف سراج الدین ادیب{

=====

روز شمار، هشتم اپریل



1- زادروز بودا :- بتاريخ 8 اپریل سال 563 پیش از میلاد: در جاپان ، کره ، تایوان و هاوایی روز « کامبوتسو Kambutsue» – زاد روز بودا – است که 563 پیش از میلاد در یک خانواده اشرافی در نپال به دنیا آمد و از آسایش و رفاه و اقتدار صرف نظر کرد و به جستجوی راهی شتافت که بشر را از رنج و تعب آسوده سازد و این راه را در 35 سالگی به دست آورد و به ترویج آن پرداخت که همانا کنترل هوس ها و نفس اماره است، سایر کشورهای ی پیرو آموزشهای بودا به سبب تفاوت تقویم خورشیدی و قمری ، زادروز او را در روزهای دیگری بر گزار می کنند، بودا (به معنای روشنگر) گفته است که کنترل هوسها راه دستیابی به شادی جاویدان است و این کنترل باید به طریق درست صورت گیرد، بقیه آموزشهای بودا از جمله در موارد کردار ، گفتار و پندار نیک با تعالیم زرتشت تفاوت زیاد ندارد که پیش از تولد بودا آنها را ترویج کرده بود .

2- سفر تاریخی کشتی سیریوس :- بتاريخ 8 اپریل 1838 میلادی :کشتی سیریوس متعلق به دولت انگلستان، سفر تاریخی خود را برای عبور از اقیانوس اطلس آغاز کرد، این نخستین بار بود که یک کشتی قصد عبور از پهنه یک اقیانوس را داشت، کشتی بخاری سیریوس از بندری واقع در ایرلند حرکت کرد و پس از 18 روز به بندر نیویورک وارد شد .

3- در گذشت « لویی ماسینیون» :- بتاريخ 8 اپریل 1962 میلادی : « لویی ماسینیون» خاور شناس فرانسوی در 79 سالگی در گذشت ، او از اعضای فرهنگستان شوروی سابق ، سویدن ، دنمارک ، اسپانیا ، هالند ، بلجیم و افغانستان بود، ماسینیون همچنین در انجمنهای فرهنگی و خاور شناسی بسیاری از کشورهای دنیا عضویت داشت ، از این خاور شناس برجسته تحقیقات ارزنده ای درباره ایران اسلامی باقی مانده است. « تقدیس فاطمه الزهرا (س)، نیایش ابراهیم، مباحله مدینه و اصناف و طبقات مر اکش»، از آثار وی بشمار می آید .

4- در گذشت «پاپلو پیکاسو» نقاش سبک کوبیسم: - بتاريخ 8 اپریل 1973 میلادی: «پاپلو پیکاسو» نقاش اسپانیایی و مبتکر سبک کوبیسم در گذشت، موصوف در 18 سالگی نقاش مشهوری شد، و سبک ابداعی او بسرعت در میان دیگر نقاشان رواج یافت، بزرگترین اثر پیکاسو گرینکا نام دارد، این تابلو نقاش وحشت خود را از بمباران شهر گرینکا در جنگهای داخلی اسپانیا مجسم کرده است.

5 - تیتو، راه مستقل از شوروی را برگزید: - بتاريخ 8 اپریل سال 1952 میلادی: «یوزیپ بروز تیتو» رهبر کنفدراسیون یوگوسلاوی که از ائتلاف کشورهای کمونیستی به صدارت شوروی جدا شده بود و راه سوسیالیستی ملی و سیاست مستقل در پیش گرفته بود یک طیاره شکاری تازه ساز شوروی از نوع «یاک - 23» را در اختیار امریکا قرار داد تا به تکنولوژی طیاره سازی روسیه پی ببرد، «تیتو» پس از در پیش گرفتن راه مستقل، از ترس انتقام احتمالی استالین به غرب نزدیک شده بود، این طیاره که در اختیار رومانی بود توسط یک کپتان رومانیایی به یوگوسلاوی رپوده شده بود، به این «کپتان» همچنان که قبلا وعده داده شده بود، این طیاره که در اختیار رومانی بود توسط یک غرب داده شده بود، پس از اعلام جایزه و وعده پناهندگی، سرقت جنگنده های شوروی به غرب به صورت یک حرفه در آمده بود، «تیتو» با وجود کمک بسیار به تاسیس جامعه غیر متعهد و ادامه نظام سوسیالیستی، تا پایان عمر به دوستی خود با امریکا و غرب ادامه داد.

=====

روز شمار، نهم اپریل

- پرابلم تریاک در افغانستان : - بتاريخ سه شنبه 20 حمل 1381 خورشیدی برابر با 9 اپریل 2002 میلادی: در اثر فیر قوای دولتی بر دهقانان اعتراض کننده در ولایت هلمند، حد اقل هشت دهقان کشته و 35 نفر زخمی شده اند، اعتراضات از منطقه کجکی در جنوب غرب ولایت هلمند آغاز شد، دولت برای دهقانانی که از کشت تریاک صرف نظر میکردند در هر هکتار 250 دالر می پرداخت، در حالیکه دهقانان مدعی اند که آنها با کشت تریاک محصولی به ارزش 3500 دالر بدست خواهند آورد.

2 - سوء قصد به جان جنرال فهیم : - بتاريخ 9، اپریل میلادی: جنرال فهیم در دیداری از شهر جلال آباد از یک سوء قصد جان سالم بدر برد زیرا هنگامیکه موتر عامل وی با تعدادی از موتر های دیگر در بین راه میدان هوایی و شهر جلال آباد در حرکت بودند در مسیر راه آنها بمبی منفجر شد.

3 - صدای انفجار در کابل : - بتاريخ 20 حمل 1382 خورشیدی (9 اپریل 2003 میلادی) صدای انفجار مهیبی ساعت 2 و 35 دقیقه بامداد چهارشنبه کابل را لرزاند، به گزارش خبرنگار ایرنا شدت صدای این انفجار مهیب به حدی بود که اکثر ساختمان های شهر کابل را به شدت لرزاند.

4 - پیروزی مغولها در اروپای مرکزی :- بتاريخ 9 اپریل سال 1241 میلادی: مغولان در مرکز اروپا، نیروهای مشترک امیران المانی و پولندی را شکست دادندو شهر "لایپتس" را تصرف کردند، اروپاییان گمان می کردند که مغولها تا ساحل اقیانوس اطلس پیش خواهند رفت که ناگهان دست به بازگشت زدند و معلوم شد که «ایلخان» آنان در گذشته و برای انتخاب ایلخان تازه به شرق باز می گردند، مغولها شهرهایی را که در اروپای مرکزی تصرف کرده بودند به آن دسته از امیران محلی که با آنان میانه خوب داشتند سپردند، قبلا مناطقی که روسیه نامیده شده است به تصرف مغولان در آمده بود، مورخان اروپایی نوشته اند: تلفات اروپاییان در جنگ "لایپتس" به حدی زیاد بود که مغولان گوش هر مقتول را جدا می کردند و در توبره اسب می انداختند تا سر فرصت از این طریق شمار کشته شدگان را به دست آورند، علت پیروزی مغولان در این جنگ، تاکتیک ویژه و قدرت مانور آنان به دلیل سبکی سلاح و نداشتن زره بود.

5 - پایان جنگ داخلی امریکا :- بتاريخ 9 اپریل سال 1865 میلادی: جنرال «رابرت لی» فرمانده نیروهای کنفدراسیون امریکا تسلیم شد و جنگ پر تلفات داخلی امریکا پایان یافت، «لی» پس از سقوط شهر ریچموند پایتخت کنفدراسیون (حاکم نشین فعلی ویرجینیا) و از دست دادن خط دفاعی رودخانه ایپاماتکس Appomattox تصمیم گرفت که با 27 هزار سرباز باقیمانده خود را به ایستگاه راه آهن لینچبرگ برساند و به کارولینای شمالی برود و با کمک نیروهای این ایالت کنفدراسیون به جنگ ادامه دهد که راه را بر خود بسته دید و تصمیم گرفت تسلیم شود، وی پیش از ظهر 9 اپریل طی یادداشتی تصمیم خود را به اطلاع جنرال «گران» فرمانده نیروهای فدراسیون (ایالتیهای شمالی) رساند و سه ساعت بعد با آجودان خود در ساختمان دادگاه شهرک ایپاماتکس حاضر شد، جنرال «گران» هم با افسرانش آمدند «لی» نامه تسلیم خود را نوشت، امضاء کرد و به «گران» داد و جنگ داخلی 4 ساله امریکا که ضمن آن 618 هزار نظامی (258 هزار جنوبی و 360 هزار شمالی) کشته شدند و ویرانی وسیع و تلفات غیر نظامی بی شمار به بار آورد پایان یافت.

جنرال «گران» پس از دریافت تسلیمنامه «لی» اجازه داد که او، افسران و سربازانش با اسبان و سلاحهای سبک خود به هر جا که بخواهد بروند و تاکید کرد که هیچکدام از آنان به خاطر کارهایی که تا آن روز انجام داده بودند مجازات نخواهد شد، ولی از این پس هرگونه خطا مجازات خواهد داشت و سپس دو جنرال دست یگدیگر را فشردند و از هم جدا شدند، همین "گذشت" باعث شد که خصومت دنیاله نداشته باشد، نمونه این سیاست 130 سال بعد در افریقای جنوبی در پیش گرفته شد و به ابتکار «نلسون ماندلا» پس از افتادن حکومت به دست اکثریت سیاهپوست هیچ سفید پوستی به خاطر آزار و حق کشی سیاهپوستان در گذشته مجازات نشد و بنابراین نظامات و اوضاع کشور برهم نخورد.

6 - زادروز «لودن دورف» سردار المان :- بتاريخ 9 اپریل سال 1865 میلادی: اریک لودن دورف Erich Ludendorff سردار معرف المان است که بسال 1865 متولد و در سال 1937 درگذشت، وی بود که در آغاز جنگ جهانی اول در سال 1914 میلادی نظامیان روسیه را که از نظر نفرات دوبرابر نظامیان هشتم المان بود در «تانن برگ» شکست داد و این شکست و شکست سال بعد باعث تضعیف روسیه و پیروزی انقلاب این کشور شد، «لودن دورف» در "برست لیتوفسک" با روسیه قرارداد صلح امضاء کرد و این کشور را از صحنه جنگ خارج ساخت، وی از آنجا به جبهه غرب بازگشت و متوجه شد که المان جنگ جهانی اول را نخواهد برد و به قیصر پیشنهاد کرد که با دولتهای مخالف المان وارد مذاکرات صلح شود که قیصر نپذیرفت و او را به سمت غیر رزمی گماشت، در پایان جنگ اول «لودن دورف» که فرضیه (حمله نامحدود زیر دریایی) از اوست به سویدن رفت و در آنجا چند کتاب درباره جنگ نوشت و سوسیالیست های المان را متهم کرد که در جریان جنگ جهانی اول از پشت به دولت المان خنجر زدند و با بیانات خود روحیه المانی ها تضعیف کردند، پس از تاسیس حزب ناسیونال سوسیالیست المان (نازی)، وی نخستین فردی بود که دفتر عضویت این حزب را امضاء کرد و هیتلر را بر ضد سوسیالیستها برانگیخت، وی عادت داشت که به جای بکار بردن کلمه سوسیالیست واژه «بی وطن» را بکار برد، بسیاری از کسانی که بر جنگ جهانی دوم تحلیل نوشته اند تاکید کرده اند که اگر «لودن دورف» سه سال دیگر زنده مانده بود، المان در جنگ دوم شکست نمی خورد زیرا که او مانع حمله نظامی هیتلر به روسیه می شد و تا انگلستان از پای در نمی آمد اجازه گسترش جبهه را نمی داد.

روز شمار، دهم اپریل

1- ملکه سویدن تصمیم به کناره گیری گرفت :- بتاريخ 10 اپریل سال 1654 میلادی: کریستینا ملکه روشنفکر و دانشمند سویدن به ملت این کشور اعلام کرد که تصمیم به کناره گیری گرفته و به سیاستمداران سویدن دو ماه مهلت داد که پادشاه دیگری برای کشور بیابند و تاکید کرد که 16 جون از کاخ سلطنتی ائاته کثی خواهد کرد، وی که برجای پدرش «آدولفوس» نشسته بود هنوز 25 ساله نشده بود که تصمیم به کناره گیری گرفت، «آدولفوس» دارای فرزند ذکور نبود، سویدن از دیر زمان توسط نخست وزیر اداره می شد و پادشاه نقش عمده نداشت، «کریستینا» که پس از او «چارلز گوستاو» پسر عمویش را برجایش نشانیدند دارای تحصیلات عالی و بانویی روشنفکر بود که بیشتر وقت خود را صرف بحثهای علمی و فلسفی می کرد و « دکارت » فیلسوف بلند آوازه فرانسوی و نویسنده تعریف "جامعه" در جلسات بحث که وی حضور داشت شرکت می کرد، « کریستینا» بزرگترین حامی و مشوق « دکارت » بود، « کریستینا» در طول سلطنت خود نخست همه املاک موروثی خاندان سلطنت را به دولت واگذار کرد و سپس از دولت خواست که آن را به مردم بفروشد، وی بیش از پیش اختیارات پادشاه را محدود کرد و کارها را به نخست وزیر سپرد، « کریستینا» در استعفا نامه اش نوشت که ذات او با این همه تشریفات غیر لازم سازگار نیست و او نشستن در کتابخانه و خواندن کتاب و گفتگوی با دانشمندان را ترجیح می دهد.

2 - قتل رهبر حزب کمونیست جمهوری آفریقای جنوبی:- بتاريخ 10 اپریل سال 1993 میلادی: « کریس هانی» رهبر وقت حزب کمونیست فدراسیون آفریقای جنوبی در 50 سالگی در یوهانسبورگ به دست یک آواره (پناهنده) ضدکمونیست پولندی کشته شد و قاتل بعدا اعتراف کرد که افراطیون سفید پوست او را برای ارتکاب این قتل اجیر کرده بودند، « هانی» که بیشتر عمر خود را در مبارزه و از جمله مبارزه مسلحانه و فرار از این کشور به آن کشورگذرانده بود پس از فروپاشی شوروی به نوسازی سوسیالیسم آفریقای همت گمارد و موفق شد که اعضای حزب کمونیست را به جای ریزش افزایش دهد و همین امر باعث شد که دشمنان بین المللی پیدا کند و حزب کمونیست آفریقای جنوبی در چارچوب کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماندلا عمل می کرد.

3- در گذشت « کارل فون لینه» طبیب سویدی :- بتاريخ 10 اپریل 1778 میلادی: « کارل فون لینه» طبیب و گیاه شناس سویدی درگذشت، او با تکمیل و توسعه روش نامگذاری علمی مبحثی آشفته را سامان بخشید اصول طبقه بندی لینه که وی آن را در جانورشناسی، گیاهشناسی، و معدن شناسی به کاربرد در روش ساختن روابط موجودات زنده در عالم طبیعت اهمیت فوق العاده ای دارد، رده بندی موجودات زنده مهمترین کتاب لینه است.

4- حمله گاریبالدی ایتالیایی به جزایر سیسیل :- 10 اپریل 1860 میلادی: «گاریبالدی» میهن پرست ایتالیایی به جزایر سیسیل حمله کرد، او به درخواست ویکتورمانوئل دوم به این امرمبادرت ورزید و در این حملات با 1000 سرباز به هدف خود دست یافت، از آن زمان سیسیل بخشی از خاک ایتالیا محسوب می شود.

5 - در گذشت جبران خلیل جبران :- بتاريخ 10 اپریل 1931 میلادی: « جبران خلیل جبران» نویسنده، شاعرو فیلسوف عارف مسلک لبنانی درگذشت، وی در رشته های طب، ادبیات عرب، حقوق بین الملل، موسیقی و تاریخ ادیان تحصیلات کرد و در بسیاری از رشته های دیگر تحقیقات جامع و ارزنده ای انجام داد که از آن جمله هنرنقاشی را می توان ذکر کرد، خلیل جبران معتقد بود که نسلی نو در خاورمیانه در حال ظهور است و این نسل بر تاریکی های فرهنگ استعماری خواهد شورید و ایمان و پاکی و جسارت و شهامت را به ارمغان خواهد آورد، مشهورترین اثر این نویسنده مسیحی پیامبرانم دارد، جبران خلیل جبران در این کتاب عشق و ارادت خود را به محمد(ص) ابراز کرده است «المواکب» دیگر اثر اوست.

روز شمار، یازدهم اپریل

1 - آهین برگزاری " زادروز" :- بتاريخ 11 اپریل سال 135 میلادی: زادروز « سه وروس » امپراتور روم است که به دنیا آمد، وی نخستین رئیس یک کشور در جهان بود که امر کرد، " زادروز" او هر سال جشن گرفته شود و مقامات نظامی و کشوری برای گفتن تبریک به دیدار او بروند و هدیه ببرند که این رسم در پاره ای از کشورها تا به امروز ادامه یافته است.

2 - فن سخنرانی عمومی :- بتاريخ 11 اپریل 2057 سال پیش از امروز: «سیسرو» اندیشمند ، خطیب ، نویسنده و سیاستمدار رومی (ایتالیایی) کتاب فن سخنرانی عمومی (خطابه) را به پایان رسانید، وی در مقدمه این کتاب که قواعد آن هنوز تدریس می شود یاد آور شده است : هرکس که بخواهد مقام عمومی داشته باشد باید در ایراد نطق و دست کم نوشتن مطالبی که می خواهد عرضه بدارد مهارت داشته باشد تا موفق شود و اگر احساس کند که در نوشتن گزارش و نطق نمی تواند به مهارت برسد باید فردی امین و وفادار را در کنار خود داشته باشد که گزارش و نطق او را برایش بنویسد، وی در این کتاب ساختار یک نطق ، انتخاب کلمات و تنظیم جملات و حتی طرز ایستادن و اشاره کردن و حرکت دست و گردن و صورت را هنگام ایراد نطق عمومی تشریح کرده است.

3- آلا ند به تصرف امپراتوری روسیه در آمد :- بتاريخ 11، اپریل 1809 میلادی: مجمع الجزایر آلا ند به تصرف امپراتوری روسیه در آمد این مجمع الجزایر سالها مورد اختلاف و جنگ میان دول فنلند و روسیه بود ،مجمع الجزایر آلا ند که در دریای بالتیک واقع است، تا سال 1917 تحت سلطه روسیه بود و سر انجام در این سال به فنلند باز پس داده شد .

4- مخترع ماشین تولید سرمای مصنوعی :- بتاريخ 11، اپریل 1859 میلادی: « فردیناند کاهه » صنعتگر و شیمیدان مشهور فرانسه ماشین تولید سرمای مصنوعی را اختراع کرد این ماشین که با استفاده گاز آمونیاک سرمای مصنوعی تولید میکرد، پس از کامل شدن به صورت یخچال امروزی در آمد، این اختراع نخستین گام در راه جلو گیری از مرگ میر انسانها بر استفاده از موادغذایی فاسد بود، تا قبل از این تاریخ هر ساله بسیاری از انسانها در نقاط مختلف جهان بویژه در مناطق گرمسیر بر اثر مسمومیت و فساد مواد غذایی جان خود را از دست می دادند .

5- قتل یکی از انقلابیون مکزیک :- بتاريخ 11، اپریل 1919 میلادی: «امیلیا نوزا پاتا» از معروفترین انقلابیون مکزیکو بر اثر توطئه و نیرنگ به قتل رسید، سرخپوستان بومی مکزیکو، زاپاتا را مصلح جامعه خود می دانستند، او در اواخر سال 1910 میلادی با شعار آزادی و زمین سلاح را بدست گرفت و با لشکر ی از سرخپوستان حق طلب و آزادی خواه به تصرف اراضی غصب شده مردم پرداخت، زاپاتا هنگامیکه فرانسیسکو مادروریس جمهور مکزیکو را اصلاحگر می دانست از او حمایت میکرد اما زمانیکه برنامه اصلاحی خود را اعلام کرد با مخالفت و کار شکنی مادرور ، روبرو شد به همین علت ، برای دفاع از برنامه اصلاحات ارضی خود برضد مادرور قیام کرد و اراضی وسیعی را به نفع مردم از دست غاصبان خارج ساخت ولی دشمنان متحد زاپاتا عاقبت با حيله و نیرنگ او رابه قتل رساند ند.

6 - موافقتنامه تاریخی چین و هند :- بتاريخ 11 اپریل سال 2005 میلادی : امضای موافقتنامه حل مسائل مرزین چین و هند که در پی دیدار 4 روزه «ون جیابائو» نخست وزیر چین از دهلی نو تحقق یافت راه دوستی و اتحاد دو کشور پرجمعیت جهان را هموار ساخت و ثابت کرد که چین متوجه خطری شده است که باعث انحلال شوروی شد و دارد حلقه محاصره روسیه را بدون برخورد با مانع تنگتر می کند، امضای این موافقتنامه که به دلخوری 43 ساله هند از چین پایان خواهد داد با اخبار مربوط به ادامه تظاهرات ضدجاپانی در چین يك كاسه شده بود و گزارش مفصلي را تشكيل داده بود که به گفته برخی از ناظران امور جهانی؛ کشتیبان چین را سیاستی دگر آمده است، چین بارها تاکید بر چند قطبی بودن قدرت کرده و مخالف این بوده است که جهان دارای يك ابر قدرت باشد، کنورت هند از چین از زمان جنگ سال 1962 دو کشور در منطقه لاداخ آغاز شده بود و هند مدعی بود که چین 38 هزار کیلومتر مربع از خاک آن کشور را تصرف کرده است، برخی از مفسران موافقتنامه 11 اپریل سال 2005 میلادی چین و هند را رویدادی خوانده اند که جهان را در مسیر تازه ای قرار خواهد داد، يك سوم نفوس کره زمین در چین و هند زندگی می کنند و این دو کشور که خاطرات بدی از دوران استعمار غرب دارند اینک به تکنولوژی پیشرفته و اقتصادی شکوفا دست یافته اند.

نخست وزیران چین و هند دو کشور را « شرکاء استراتژیک» نامیدند و اتحادشان را در جهت تحکیم صلح جهانی و رعایت موازنه در امور بین المللی خواندند، با این سازش راه هند برای عضویت در شورای امنیت در سپتمبر امسال هموار شده است، سران دو دولت به همسایگان هند قول دادند که این اتحاد به زیان آنها نخواهد بود، پاکستان تا کنون چین را حامی خود می دانست، با توجه به این که چین و هند روی هم يك سوم نفوس جهان جمعیت دارند و از پیشرفت و رشد اقتصادی زیاد برخوردارند، برخی از روزنامه ها سازش آنها را يك رویداد بزرگ جهانی خوانده اند.

سازش چین با هند در حالی است که علاوه بر مردم عادی، مقامات چینی هم دهان به انتقاد از جاپان گشوده اند. «ون ژیبائو» نخست وزیر چین که ختم اختلافات مرزی با هند را اعلام می داشت خطاب به جاپان که به تظاهرات ضد جاپانی چینی ها اعتراض کرده است به چند اصل در اهمیت و احترام به تاریخ اشاره کرد و از جمله گفت: این تظاهرات به همگان قضاوت تاریخ را یادآور می شود و درس عبرت می دهد، ملتی که به تاریخ احترام بگذارد مسئولیت کارهای گذشته اش را بر عهده می گیرد، جاپان باید به تاریخ از رو به رو و منصفانه نگاه کند و به قضاوت آن گردن نهد، اشاره «ون» به کشتار چینی ها در سال 1937 به دست نیروی مهاجم جاپان و خشونت های جاپانی ها در جریان جنگ جهانی دوم در آسیای جنوب شرقی بود.

=====

روز شمار، دوازدهم اپریل

1 - درگذشت اف. دی. روزولت :- بتاريخ 12 اپریل سال 1945 میلادی : « فرانکلین دلانو روزولت» که از 1933 رئیس جمهوری امریکا بود در 63 سالگی بر اثر خونریزی مغزی (سکته) درگذشت و هری ترومن معاونش همان روز بر جایش نشست، فوت روزولت در منطقه "وارم اسپرینگ" ایالت جورجیا اتفاق افتاد، «روزولت» از حزب دمکرات که طرحهای چپگرایه متعدد تحت عنوان "نیو دیل" به اجرا درآورد تنها رئیس جمهور در تاریخ ایالات متحده است که سه دوره این مقام را به دست داشت، «روزولت» کمتر از سه هفته مانده به پایان جنگ در اروپا درگذشت و نتوانست در مراسم پیروزی متفقین شرکت کند.

2- قتل هزاران مردم در مراکش :- بتاريخ 12، اپریل 1925 میلادی: حملات گسترده قوای نظامی آزادیبخش مراکش به فرماندهی عبدالکریم ریف بر ضد اشغالگران فرانسوی آغاز شد، ساکنان منطقه ریف پیش از دیگر منطقه های شمال آفریقا بر ضد اشغالگران اروپایی قیام کردند و موفق به تاسیس جمهوری ریف شدند، این قیام موجب تحریک دیگر قبایل مراکش برای کسب استقلال و آزادی شد، از این رو فرانسویان در اوایل سال 1924 میلادی با قوای خود به خاک ریف حمله کردند، آنها علاوه بر بهره گیری از قوای کمکی اسپانیا مارشال پتن را نیز با 200000 سرباز فرانسوی وارد کارزار کردند و به قتل عام هزاران تن از مردم مراکش پرداختند .

3- ایجاد جمهوری در اسپانیا :- بتاريخ 12، اپریل 1932 میلادی: در پی استعفای آلفونس سیزدهم شاه اسپانیا ، حکومت جمهوری در اسپانیا برقرار شد، اما چندی بعد از استقرار نظام جمهوری سلطنت طلبان بر ضد حکومت قیام کردند و در نتیجه جنگ داخلی در این کشور به وقوع پیوست که به مدت دو سال و نیم ادامه یافت در پایان جنگ با یروزی سلطنت طلبان خاتمه یافت جنرال فرانکو قدرت رادر اسپانیا بدست گرفت و بیش از 38 سال به شیوه استبدادی حکومت کرد، در این مدت مبارزات باسک شدت یافت ولی حتی با مرگ فرانکو در سال 1975 نیز برای مردم اسپانیا حاصل نشد زیرا فرزند خوانده او خوان کارلوس به قدرت رسید و همچون اومستبدانه حکمرانی کرد.



4- اولین انسانی که در فضا رفت :- بتاريخ 12 اپریل 1934 میلادی: « یوری گاگارین » فضانورد 27 ساله اتحاد شوروی نخستین انسانی بود که فضا سفر کرد، وی با سفینه وستوک يك زمین را در ارتفاع 327 کیلومتری در مدت 108 دقیقه دور زد، کیسول این سفینه از آلومینیوم ساخته شده بود و يك جسم کروی شکل به قطر 2 متر و 30 سانتی متر بود که حجم قابل سکونت داخل آن فقط 1/6 متر مکعب بود،

یوری گاگارین نخستین انسانی که به فضا سفر کرد در داخل این کیسول کوچک هیچ کاری برای انجام دادن نداشت و تکنسین های پایگاه فضایی بایکونور هدایت سفینه اش را به عهده داشتند، هنگام بازگشت به زمین وی چند دقیقه قبل از فرود در نقطه ای از سیبری با چتر نجات بیرون پرید و سفر پرخطرش به پایان رسید، چهار سال پس از پرتاب نخستین ماهواره ، اتحاد شوروی با اعزام انسان به فضا برتری خود را به رخ امریکایی کشیدند، به این ترتیب در روز 12 اپریل سال 1961 میلادی یوری گاگارین فضانور 27 ساله اتحاد شوروی نخستین انسانی بود که به فضا سفر کرد و توانست کره زمین را از فضا مشاهده کند.

5 - فعالیت دیگو گودویز، در امور افغانستان :- بتاريخ 12، اپریل 1982 میلادی (23 حمل 1361 خورشیدی) : دیگو گودویز نماینده خاص سر منشی موسسه ملل متحد برای قضیه افغانستان به کشور های (افغانستان؛ پاکستان ، ایران) مسافرت و با رهبران آنها راجع به حل مسأله افغانستان گفتگو کرد.

=====

روز شمار، سیزدهم اپریل

1- تقسیم محرمانه آفریقای مرکزی :- بتاريخ 13 اپریل سال 1894 میلادی : دولتهای انگلستان و بلجیم در يك جلسه محرمانه (بدون اطلاع فرانسه و المان) آفریقای مرکزی را میان خود قسمت کردند! که نقض قرارداد برلین بود، کنگره برلین که به ابتکار بیسمارک تشکیل شده بود ، قبلا ترتیب تقسیم آفریقا میان اروپائیان را داده بود تا سهمی هم به المان برسد همان کنگره کشور پهناور کنگو را به بلجیم بخشیده بود.

2 - دفاع نواسه از پدر کلاش :- بتاريخ 13 اپریل سال 1998 میلادی : درست نیم قرن پس از اعدام « هیدکی توجو Hideki Tojo » نخست وزیر جاپان در زمان جنگ جهانی دوم ، نواسه او بانو «یوکوایوانامی» با کتاب و فیلمی که 13 اپریل 1998 انتشار یافت به دفاع از پدر کلان خود پرداخت و او را به صورت يك قهرمان ملي جاپانی ها معرفی کرد و جاپانی ها ي نسل تازه از نو « توجو » را شناختند ، «توجو» در نوامبر سال 1948 میلادی سه سال و چند ماه پس از تسلیم جاپان و اشغال این کشور توسط نیروهای نظامی امریکا اعدام شد، پس از اشغال جاپان و بازداشت « توجو » قلمها بر ضد او به کار افتاده بود و نوشته های دهه های بعدی نیز که به نقل از مطالب دو دهه اول پس از جنگ بود کمکی به تجدید حیثیت « توجو » نکرد، « یوکو » نواسه « توجو » که می دانست قلم ها در خدمت فاتح است در صدد، دفاع از پدر بزرگش بر آمد که هنگام اعدام او ده سال بیشتر نداشت، « یوکو» که قضاوت در باره کارهای پدر کلاش را غیر منصفانه و یکجانبه می دید از دوران تحصیل در دانشگاه به تهیه اسناد و مدارک در باره کارها ، افکار و آرزوهای پدر بزرگ پرداخته بود و پس از این که زمان را مناسب دید به نوشتن کتاب و همزمان تهیه يك فیلم سینمایی از کارهای « توجو» اقدام کرد، زیرا به نظر « یوکو » فیلم سینمایی به عنوان يك رسانه نافذ در ذهن مردم عادی که از پشت پرده سیاست بی خبرند تأثیر بیشتر و آنی می گذاشت، وي همزمان فیلم و کتاب را آماده ساخت، فیلم طوری تهیه شده بود که نخست، افکار و کارهای «توجو» را منعکس می ساخت و سپس نوبت به دستگیری ، اقدام وي به خودکشی در زندان ، محاکمه و اعدام او می رسید و بیننده را متأثر می ساخت، در این فیلم وسایل شخصی « توجو» در زندان نشان داده شد که اینک در موزه قرار گرفته است.

با این فیلم و این کتاب ، « یوکو» موفق شد که بار دیگر پدر بزرگش را به ویژه نزد نسل تازه جاپان به صورت مظهر غرور ملي در آورد، « توجو» بود که نقشه حمله غافلگیرانه به کشتی امریکا در " پرل هاربور" را طرح و به اجرا در آورد و هدف جنگ را بیرون راندن غرب از آسیا نامید، مورخانی که فیلم و کتاب «یوکو» را دیده اند آن را تاریخ واقعی « توجو » می دانند، عمل « یوکو» در عین حال باعث شد که در سراسر جهان علاقه کهن و قلبی بین نواسه و پدر بزرگ بیش از پیش تقویت شود.

3. کشته شدن پنج هزار هندی در باغ جلیان :- بتاريخ 13 اپریل 1919 میلادی: حادثه خونین قتل عام در باغ جلیان والا در هندوستان رخ داد، در سال 1919 میلادی: حکومت انگلستان برای جلوگیری از مبارزه مردم هند قانون رولت را تصویب کرد، به موجب این قانون پلیس مجاز به دستگیری هر فرد مظنون بدون حکم قانونی بود تصویب و اجرای قانون رولت، خشم هندیان را برانگیخت بطوریکه در 13، اپریل 1919 میلادی به تعداد 5000 نفر هندی بدون سلاح که برای مخالفت با قانون رولت در باغ جلیان والا اجتماع کرده بودند بدستور دویر انگلیسی کشته شدند، همزمان با تصویب قانون رولت و کشتار هندیان نخستین نشانه های نهضت مقاومت گاندي نیز آشکار شد.

4- سقوط چاریکار :- بتاريخ 14، اپریل 1992 میلادی (24 حمل 1371 خورشیدی) : شهر چاریکار سقوط کرد، تماس و ارتباط بین دولت جمهوری افغانستان و احمد شاه مسعود را عبدالوکیل وزیر خارجه در زمینه طرح یک دولت ائتلافی تأمین کرد.

5 - ارتش سرخ در شهر وین :- بتاريخ 13 اپریل 1945 میلادی: ارتش شوروی شهر وین را تصرف کرد و 90 هزار تن از سربازان هیتلر را به اسارت گرفت اتریش در سال 1938 به المان پیوسته و یکی از ایالات المان (رایش سوم) شده بود، شوروی در جریان جنگ جهانی دوم از زمان حمله ارتش هیتلر به آن کشور در سال 1941 تا تصرف برلین در 1945 نزدیک به 27 میلیون کشته تلفات داد ، نگرانی غرب از ارتش سرخ که پس از شکست هیتلر، در اروپای شرقی و مرکزی استقرار یافته بود سبب ایجاد اتحادیه نظامی ایتلانتیک شمالی (ناتو) شد ، دولت مسکو به نوبه خود تلاش کرد در کشورهای اروپایی که آنها را از دست ارتش المان خارج ساخته بود احزاب کمونیست حاکم شوند و سپس با این کشورها ، جز یوگوسلاوی ، يك پیمان نظامی امضاء کرد که به پیمان ورشو معروف شد، این کشور ها يك اتحادیه اقتصادی هم به وجود آوردند، دولت وقت مسکو اواخر دهه 1980 داوطلبانه با انحلال پیمان ورشو موافقت کرد به این امید که ناتو هم منحل شود که برخلاف انتظار مسکو ، پس از فروپاشی اسرار آمیز شوروی ، ناتو نه تنها منحل نشد بلکه گسترش یافت و به مرزهای سابق شوروی رسید و از اپریل سال 2004 لیتوانی، لتونی و استونی سه کشور از کشورهای سابق شوروی وارد آن شده اند.

=====

روز شمار، چهاردهم اپریل

1 - سازنده زبان واحد جهانی "اسپرانتو" :- بتاريخ 14، اپریل 1917 میلادی: سالگرد در گذشت دکتر « لودویگ لازاروس زامنهوف Ludovic Lazarus Zamenhof » مبتکر زبان جهانی " اسپرانتو " است که واژه های آن از بسیاری از زبانهای رایج گرفته شده است، « زامنهوف» عقیده داشت که وجود زبانهای متعدد در جهان باعث جدایی مردم از هم ، بروز اختلافها و جنگها می شود، او تأکید بر این داشت که اگر يك زبان – ولو به صورت زبان دوم و یا زبان رسانه ها به ویژه کتاب – میان مردم در سراسر جهان مشترک باشد ، به دلیل بسط تفاهم و تبادل اندیشه ، دانش ، هنر و اطلاعات بسیاری از مسائل به وجود نمی آید و انسانها موفق خواهند شد از میراث مشترک که همانا تجربه گذشتگان (تاریخ) است ، و نیز احساس و عواطف یگدیگر آگاه شوند و درد و شادی هم را درک کنند و عقاید به جای سطح محدود در همه جهان انتشار یابد و مشکلات حل شود، به باور « زامنهوف » ، وجود يك زبان واحد جهانی در کنار زبان مادری ، مردم را در گوشه و کنار جهان به هم مربوط می کند ، رسوم یکپارچه و فرهنگ غنی می شود و مسائل ناشی از تفاوت و اختلاف فرهنگها از میان می رود، وي گفته است که زبان " اسپرانتو" را به این دلیل به وجود آورد که ساده تر از همه زبانها است و فراگیری آن زحمت زیاد ندارد، « زامنهوف» يك طبیب بود، وي 15 دسمبر سال 1859 در شهر بیالیستوک پولند که در آن زمان در قلمرو روسیه بود به دنیا آمده بود، چهار گروه مختلف الزبان و با فرهنگهای متفاوت در این شهر زندگی می کردند که به همین سبب با هم تفاهم نداشتند و در نزاع و کشمکش دائمی بودند، این چهار گروه عبارت بودند از: روسها ،پولندی ها ، آلمانی ها (ژرمن ها) و یهودیانی که به زبان یدیش تکلم می کردند، « زامنهوف » از نوجوانی از این وضعیت در رنج بود بعدا از این اختلاف پی به اختلافات ملل و کشورها برد و راه حل را وجود يك زبان دوم بین المللی یافت و به ساختن این زبان همت گماشت، وي که در دانشگاههای مسکو ، ورشو و برلین تحصیل کرده بود زبان انگلیسی ، لاتین و یونانی را هم فراگرفت و به ساختن زبان بین المللی " اسپرانتو" سرگرم شد، او ساده ترین گرامر (دستور زبان) را برای اسپرانتو تدوین کرد و واژه هایی انتخاب کرد که با پسوند و پیشوندها و افزودن ریشه کلمات بشود با هر واژه دهها کلمه ساخت و یاد گرفتن این زبان و بکار بردن آن را آسان کرد.

زمانه‌ف در کتابی که در سال 1887 تحت عنوان «لینگو انترناسیا» منتشر ساخت نوشته است که او اطمینان می‌دهد اگر "اسپرانتو" جهانی شود عدم تفاهم، نفرت و تبعیض از جهان رخت برخواهد بست و همزیستی مسالمت آمیز و صلح پایدار برقرار خواهد شد و بشر با استفاده از بهترین استعدادها به پیروزی‌های بزرگ و سعادت و رفاه دست خواهد یافت، «زمانه‌ف» نوشته است که زبان دوم مشترک باعث گسترش ارتباط طبیعی انسانها و دوستی و وفاق خواهد شد، وی تحقق این آرزو را تشکیل جنبش‌های ترویج "اسپرانتو" و حمایت دولتها از آن ذکر کرده است، به اظهار بسیاری از جامعه‌شناسان، در آغاز کار توجه به زبان "اسپرانتو" زیاد بود، در بیشتر کشورها در آموزشگاه‌های غیر دولتی آن را تدریس می‌کردند و زمانی بیش از پنج میلیون نفر آن را می‌دانستند ولی انگلیسی زبانها که سعی داشته‌اند این زبان و در نتیجه فرهنگ و روش زندگانی خودشان جهانی شود نسبت به "اسپرانتو" پشت کردند و دیگران هم نسبت به آن بی‌اعتنا شدند و امروز بسیاری هستند که حتی نام این زبان و زحمتی را که برای ساخت آن کشیده شده است نشنیده‌اند، با وجود این عده کسانی که در سراسر جهان آن را می‌دانند 2 تا 3 میلیون برآورد شده است تفاوت تلفظ زبان انگلیسی در کشورهای مختلف و بی‌قاعدگی گرامر آن و تفاوت استعمال واژه‌ها اخیراً توجه به "اسپرانتو" را بار دیگر افزایش داده است.

2 - تقویت فرضیه حکومت فیلسوف :- بتاريخ 14، اپریل 1985 میلادی: انور خوجه (انور هوجا Enver Hoxha) موسس حزب کمونیست آلبانی در 1941 - مردی که چهار دهه بر این کشور حکومت کرد 14 اپریل سال 1985 در 77 سالگی در گذشت، وی از پیروان روش استالین بود، با وجود این موفق نشد که طبیعت مردم را تغییر دهد و آلبانیایی‌ها پس از فروپاشی کمونیسم در اروپا به همان وضعیتی باز گشتند که پیش از تاسیس حزب کمونیست که در آن بودند، به گزارش رسانه‌ها، آلبانی پس از کمونیسم به مرکز قاچاق مواد مخدر اروپا و جرائم دیگر مبدل شده است! بررسی احوال آلبانیایی‌ها و سایر کشورهای کمونیستی سابق درستی این فرضیه را تقویت کرده است که اگر در کشوری یک ایدئولوژی تازه پیاده شود باید حاکم آن کشور یک فیلسوف از اصحاب آن فرضیه باشد تا موفق شود، موفق شدن به این معناست که اگر دولت هم از میان برود و یا کشور به اشغال نظامی بیگانه در آید اعتقاد و روش مردم تغییر نکند، انور پس از تعدیل روش شوروی در زمان خروشچف، از سال 1961 دنباله‌رو پکن شده بود.

3. در گذشت گوته شاعر آلمانی :- بتاريخ 14، اپریل 1832 میلادی: «یوهان ولفگانگ فون گوته» نویسنده، شاعر، منتقد و متفکر آلمانی درگذشت، گوته از بزرگترین شخصیت‌های علمی-فرهنگی اروپای قرن نوزدهم و همچنان از بارزترین چهره‌های ادبی جهان است، دیوان شرقی از مشهورترین آثار گوته است «فاوست، نغمه‌های رومی، و سقراط» از دیگر کتابهای گوته بشمار می‌روند.

4 - امضا توافق نامه در ژنیو :- بتاريخ 14، اپریل 1988 میلادی (25 حمل 1367 خورشیدی) : وزرای خارجه کشورهای «افغانستان، پاکستان، اتحادشوروی، آمریکا» در ژنیو گرد هم آمدند و توافق نامه‌های آماده شده را امضا کردند.

5 - شبی که تایتانیک غرق شد :- بتاريخ 14 اپریل: در ساعت 11 و 30 دقیقه شب کشتی مسافربر تایتانیک که با 2200 مسافر و خدمه از ساوت همتون انگلستان عازم نیویورک بود در حوالی کانادا با یک قطعه یخ سرگردان برخورد کرد و چند ساعت بعد به زیر آب فرو رفت و بیش از 1500 تن جان باختند، هنگام به آب انداخته شدن این کشتی در 31 ماه می سال 1911 ادعا شده بود که تایتانیک غرق شدنی نیست!

=====

روز شمار، پانزدهم اپریل

1 - تعریف تابعیت :- بتاريخ 15 اپریل سال 214 میلادی: سنای روم "تابعیت" را در جریان تصویب قانون تعمیم تابعیت رومی به گروه دیگری از ساکنان قلمرو این کشور تعریف کرد، با این که از آن زمان این تعریف بارها دوباره نویسی شده و بسیاری از اندیشمندان موارد تازه بر آن اضافه کرده‌اند، معنای پایه‌ای را که سنای روم ریخته همچنان باقی مانده و رعایت می‌شود، طبق تعریف "تابعیت یا شهروندی" شهروند که عضو متساوی حقوق و کامل یک جامعه ملی است دارای یک رشته حقوق و تکالیف است، شهروند می‌تواند از حقوق خود صرف نظر کند، ولی انجام تکالیف اجباری و نقض آن موجب مجازات است به شهروندی که از بعضی حقوق خود داوطلبانه بگذرد مثلاً حق رای دادن در انتخابات و حق تظلم خواهی تبعه غیر فعال گویند، اما اگر عواملی در صدد بر آیند که با تهدید و ارعاب و امثال آن یک تبعه و گروهی از اتباع را از استفاده از حق باز دارند با دولت طرف خواهند بود که مکلف است وسائل لازم را برای برخورداری اتباع از حقوقشان فراهم آورد و با کسانی که شهروندان را اجباراً از استفاده از حق باز می‌دارند برخورد کند، هرگونه اعتراض مسالمت آمیز از جمله به: بوروکراسی بد، وجود اجحاف، وضع قوانین خلاف منطوق و عقل سلیم و قوانینی که حقوق اساسی را نقض و یا تنها به سود یک طبقه‌اند، رد زورگویی و اعتراض به ظلم (عمومی) حق نیست بلکه تکلیف یک شهروند است که نمی‌تواند از آن صرف نظر کند، در صدر این تکالیف دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی وطن است که سرپیچی از آن در زمان جنگ مجازات اعدام خواهد داشت، از میان اندیشمندانی که نسبت به شهروندی نظر داده‌اند فرضیه «جان راولس» جامع‌تر و جالب‌تر است که آن را در سال 1971 به صورت کتاب منتشر ساخته است، وی تأمین فرصت‌های مساوی را از حقوق شهروندان حذف و آن را بر تکالیف دولت اضافه کرده و تأکید بر آن دارد، وی نوشته است: دولتی که این تکالیف خود را رعایت نکند باید باز خواست شود، وی آموزش خوبی‌ها و خوبی کردن به اتباع را از تکالیف دولت‌ها دانسته و به این ترتیب هدف آموزش و پرورش تنها تدریس خواندن و نوشتن و حساب کردن نباید باشد و به زعم او، مدرسه یک کارخانه آرماسازی - پرورش انسان کامل - خواهد بود.

2- زادروز نانک پیشوای سیکها :- بتاريخ 15 اپریل 1469 میلادی: گورو «نانک Nanak» پیشوای سیکها در تالوندي در پنجاب غربی (پاکستان امروز) به دنیا آمد و از 32 سالگی به ترویج مذهب خود پرداخت که پیروان فراوان دارد، نانک بر ضد استعمار بود و آموزش می‌داد که خدا از کسی منتفر نیست و مردم نیز باید چنین باشند، نانک از کودکی با هندو و مسلمان دوست بود، وی قادر بود که به زبان فارسی نیز بگوید و بنویسد. نانک که از زندگانی لوکس و تجملات بیزار بود در سال 1539 در گذشت.

3 - زادروز کیم ایل سونگ :- بتاريخ 15 اپریل سال 1912 میلادی: «کیم ایل سونگ» نخستین رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره (شمالی) به دنیا آمد و 82 سال عمر و 47 سال بر آن سرزمین رهبری کرد، اعلامیه معروف چوچه Chuuche از او است که از سال 1955 رعایت می‌شود، طبق این اعلامیه کره‌ای‌ها باید از هویت ملی خود دفاع کنند، غرور ملی خود را از دست ندهند و تنها به خود متکی باشند، با این که چین و روسیه به کره شمالی کمک بسیار کرده‌اند وی به مردم کره توصیه کرده است که متوجه باشند کاری نکنند که این دو دولت دوست برای تغییر سیاست‌های ملی کره (شمالی) اعمال نفوذ کنند، او تأکید بر مبارزه بی‌امان با امپریالیسم و تقویت مارکسیسم - لنینیسم کرده است، کیم ایل سونگ که هشتم جولای سال 1994 میلادی در گذشت هرگز تقسیم کره را حتی از ذهنش هم عبور

نداد، کیم ایل سونگ که یک کشاورز زاده بود در جوانی با خانواده اش به منچوری چین رفته بود، بعداً در آنجا یک دسته پارتیزان مسلح برای جنگ چریکی با جاپانی ها تشکیل داده بود که بر اثر فشار نیروهای جاپانی در سال 1941 مجبور به عقب نشینی به شوروی شده و در آنجا به ارتش سرخ پیوسته بود، وی در سال 1945 با ارتش سرخ وارد کره شد و پس از تقسیم موقت شبه جزیره کره به تصمیم امریکا، در اندک زمانی نخست وزیر بخش شمالی شد و در سال 1950 موفق شد استالین را موافق نقشه حمله نظامی به قسمت جنوبی کره کند که این حمله 25 جون سال 1950 آغاز شد که نتیجه اش ادامه تقسیم کره به دو کشور بوده است، برنامه تسلیحات اتمی و موشکی کره از کیم ایل سونگ (پدر) است که معتقد بود اگر یک کشور بخواهد زنده و پایدار بماند باید بتواند به تنهایی از خود دفاع کند و اگر از لحاظ دفاعی نیرومند نباشد دیگران در صدد حمله نظامی به آن بر نخواهند آمد زیرا که گمان خواهند کرد برایشان گران تمام شود.

4- تولد «لئوناردو داوینچی» دانشمند ایتالیا :- بتاريخ 15 اپریل 1452 میلادی: «لئوناردو داوینچی» دانشمند معروف، هنرمند نقاش، مجسمه ساز و معمار بزرگ قرن 15 میلادی در ایتالیا متولد شد، داوینچی در سال 1461 میلادی در فلورانس در کارگاه نقاشی و روتیو به کار پرداخت و بتدریج به مقام استادی در این هنر رسید، لئوناردو مدتها نقاش دربار لویی 12 و فرانسیس اول بود و همواره در کنار نقاشی به مطالعه در علم تشریح و ریاضیات می پرداخت لبخند « ژوکوندا موتالیزا و شام آخر» از مشهورترین آثار لئوناردو داوینچی به شمار می روند.

5- تولد «هانری کاوتدیش» انگلیسی:- بتاريخ 15 اپریل 1731 میلادی: « هانری کاوتدیش » فیزیکدان و شیمیدان انگلیسی متولد شد، کاوتدیش در علوم فیزیک و شیمی استاد و مدرس بود و در کنار تدریس به تحقیق و آزمایش می پرداخت، کاوتدیش ضمن تحقیقات خود موفق به تعیین حرارت مخصوص برخی اجسام شد، وی نخستین کسی است که ثابت کرد هیدروجن سبک تر از هواست و درباره ترکیب شیمیایی هوا، نیز تحقیقات جامع و ارزنده از خود به جای گذاشته است.

== == == == ==

روز شمار، شانزدهم اپریل

1- بازگشت لنین از تبعید :- بتاريخ 16 اپریل سال 1917 میلادی : ولادیمیر ایلیچ (لنین) پس از یازده سال که به حالت تبعید در اطریش و سویس بسر برد و از آنجا جنبش سوسیالیستی را رهبری می کرد با کمک آلمانی ها که می خواستند دولت روسیه را گرفتار دشواری های داخلی کنند و از جنگ جهانی اول خارج سازند به وطن باز گشت، روایت است که آلمانی ها لنین را در یک واگن قطار راه آهن قرار دادند و آن را قفل کردند و از میان جبهه های جنگ عبور دادند و به روسیه رسانیدند، لنین در نخستین روز بازگشت به روسیه کاپیتالیسم و رقابت بر سر استثمار ملل را عامل شعله ور شدن آتش جنگ بزرگ اعلام داشت، وی تاکید کرده بود که تا این دو عامل وجود داشته باشد جنگ های استعماری نیز ادامه خواهد داشت، لنین که در آن سال 47 ساله بود در 28 ماه می خواهان ایجاد یک جمهوری دمکراتیک فدرال در روسیه شد، وی در دوم جون راهپیمایی بزرگی ترتیب داد که قبلاً نظیر آن در روسیه دیده نشده بود، لنین در شانزدهم جون طرح خود در زمینه شورایی کردن کشور را اعلام و نخستین شورا (ساویت) را تشکیل داد، وی ماه بعد از آن تمهیدات دولت موقت روسیه از جمله ایجاد مجلس (دوما) را کارهایی عبث خواند که به منظور خرید وقت و تاخیر وقوع یک انقلاب راستین انجام می شود و گفت: در کشور روسیه که مردم با انتخابات آشنا نیستند و آن گروه هم که آشنایی دارند درستی مراحل کار و نتایج آن را باور ندارند نمی توان از الگوی کشورهای دیگر که قرنهای این نوع انتخابات را تمرین و تجربه کرده اند استفاده کرد ؛ انتخابات باید در سطوح پایین انجام شود تا واقعیت دمکراتیک داشته باشد، مبارزات لنین از این دست تا اکتبر همین سال - ماه هفتم پس از بازگشت از تبعید - به انقلاب بلشویکی و تغییر نظام روسیه انجامید.

ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین) بیش از 135 سال در روسیه به دنیا آمد، در اعتراض ها، عمدتاً بصورت فردی بروز می کرد و آنجا که به جمع ختم می شد، جز عصیان های آنارشستی نبود، که این نیز خود نوعی خودکشی جمعی بود برادر بزرگ لنین از جمله این قربانیان بود که در سال 1887 میلادی به جرم شرکت در ترور تزار الکساندر سوم دستگیر و اعدام شد، لنین در دانشگاه شهر کازان رشته حقوق را آغاز کرد اما به جرم شرکت در مبارزات دانشجویی بارها دستگیر و سرانجام نیز از دانشگاه اخراج شد، لنین در سال 1893 میلادی به شهر سن پترزبورگ نقل مکان کرد، شهری که در آن زمان مرکز افکار انقلابی بود.

آشنایی او با **گورگی پلخاتوف**، جرقه های انقلابی را در لنین، به یک آتشفشان تبدیل کرد، مقالات تبلیغی - ترویجی لنین از این پس به مطبوعات چپ روسیه راه یافت: کارگران بپا خیزید تا سوسیالیسم را بنا کنیم لنین در اواخر سال 1895 میلادی دستگیر شد و پس از یکسال زندان موقت (!) در دادگاه به سه سال تبعید در سیبری محکوم شد تبعید فرصت دیگری بود و اگر برای همه نبود، برای لنین چنین شد، او تبعید سیبری را به یک فرصت تبدیل کرد نخستین نوشته های فلسفی- اجتماعی لنین در این دوران بر کاغذ آمد، او همه جنبش کارگری و روشنفکران طرفدار این جنبش را فراخواند تا آثار **مارکس** را با دقت بخوانند زیرا بهترین راهنمای عمل انقلابی است تبعید فرصت دیگری نیز در اختیار لنین گذاشت: ازدواج با " نادرژا کروپسکایا " از فعالان جنبش چپ روسیه در سال 1898 پس از پایان دوران تبعید، دوران مهاجرت لنین آغاز شد، سال 1900 میلادی عمدتاً سویس و اطریش او مهاجرت سیاسی را نیز به فرصتی تازه تبدیل کرد.

با دوری گزیدن از بحث های بی سرانجام مهاجرتی و غرق شدن در دسته بندی های سیاسی- حزبی، با اندک شمار یارانی که می شناخت روزنامه ایسکرا (جرقه) را منتشر ساخت تا بذر انقلابی را در روسیه و نه در مهاجرت بپاشد بگری که بعدها وقتی در روسیه درو شد، بزرگترین حزب سیاسی- انقلابی روسیه بود، این روزنامه که مخفیانه به روسیه می رسید، از سال 1902 میلادی ارگان اصلی "حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه" شد ایسکرا از ضرورت سرنگونی تزار در روسیه و پایه گذاری یک نظام سوسیالیستی سخن می گفت و حزبی که ایسکرا ارگان آن شده بود با جنبش کمونیسم بین الملل روابط نزدیک داشت دومین کنگره " حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه" سراسری روسیه در سال 1903 میلادی در لندن برگزار شد لنین و هم اندیشان او که در این کنگره اکثریت "بلشویک" را بدست آورده بودند، توانستند انقلاب را در دستور کار کنگره و حزب قرار دهند اقلیت کنگره "منشویک" معتقد بودند زمینه های عینی و ذهنی انقلاب در روسیه فراهم نیست، درحالی که لنین معتقد بود "انقلابیون" وظیفه دارند توده های زحمتکش را برای کسب قدرت آماده کنند آن ها که زمینه عینی و ذهنی انقلاب را در روسیه نمی دیدند، خود از کارهای قدیمی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه بودند کنگره را بلشویک ها بردند اما اقلیت از نظرات خود دست نکشید و در درون حزب باقی ماندند تا بر سر یکی از پیچ های بزرگ تاریخی و پس از یک شکست مرحله ای دست به اشعاب زد.

انشعاب در سال 1912 میلادی روی داد و مستقیماً تحت تأثیر شکست انقلاب 1905 میلادی بود پس از سرکوب انقلاب در 1905 که فیلم تاریخی و فراموش نشدنی "رزمناو پاتمکین" را بعدها "آیزنشتاین" بر پایه آن ساخت، لنین و همراهان انقلابی او (بلشویک ها) شبکه های زیرزمینی را در داخل روسیه، نه برای رفتن به سوی عملیات تروریستی، بلکه برای ترویج افکار کمونیستی در میان کارگران، سربازان و روشنفکران آغاز کردند جنبش انقلابی زیر زمینی شد، اما نه منزوی و ماجراجو.

بحران اقتصادی اروپا در دهه 1910 روسیه را نیز سرانجام به کام جنگ اول جهانی کشید بحران اقتصادی و در غلظتین رژیم تزاری در مرداب جنگ فرصت های نوینی را که لنین در انتظار آن بود فراهم ساخت شکست های پیاپی ارتش تزاری در جبهه های جنگ، بیداد فقر در داخل روسیه، قحطی، فساد دستگاه حکومت استبدادی و آغاز اعتراضات گسترده مردم گرسنه و خسته از جنگ روسیه همان لحظه تاریخی بود که لنین پیش بینی آن را کرده و شبکه های زیر زمینی را برای آن سازمان داده و آماده ساخته بود شورش سربازان و افسران که نافرمانی آنها در جبهه های جنگ آغاز شده بود این فرصت را کامل کرد لنین که سربازان و افسران رده های پائین ارتش تزاری را نیروی ذخیره انقلاب ارزیابی کرده بود، شرایط را آماده فراخواندن آنها به انقلاب تشخیص داد این آمادگی در نیروی دریایی روسیه پیش از نیروهای دیگر ارتش تزاری بود و بصورت شورش "نوایان" خود را نشان داد فاصله 1917-1914 سال های شکل گیری بزرگترین انقلاب قرن 20 بود در فیروزی سال 1917 میلادی مجلس روسیه (دوما) زیر فشار تظاهرات و اعتراضات انقلابی مردم روسیه "نیکلای دوم" تزار روسیه را از سلطنت خلع کرد و با هدف کنترل انقلاب و بدست آوردن فرصت زمانی جهت مقابله سازمان یافته با آن حاکمیت روسیه را به یک دولت موقت سپرد و آن را پیروزی انقلاب اعلام کرد سقوط تزار روسیه پیروزی بزرگی برای مردم روسیه بود، اما هرگز به معنای پیروزی انقلاب نبود دولت موقت زیر فشار جنبش انقلابی کشور برنامه ای دموکراتیک را با هدف برقراری آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم پذیرفته و اعلام کرد آزادی های سیاسی برقرار شد و تمام احزاب روسیه، از جمله بلشویک ها از تحول بوجود آمده پشتیبانی کردند همه امید داشتند که با سقوط تزارسیم، نظامی قانونی و مردم گرا به قدرت برسد که به نابسامانی های کشور پایان دهد، اما از همان ابتدا مشخص بود که سرمایه داری از دل فوآلیسم بیرون آمده روسیه نگران از تعمیق و تثبیت انقلاب در پی مقابله با آن و پیگرد انقلابیون است.

آنطوری که در بالا تذکر رفت لنین که از مهاجرت و تبعید به روسیه بازگشته بود، جلوتر از همه رهبران واحزاب سیاسی روسیه این خطر را احساس کرده و مردم، زحمتکشان و بلشویک ها را به هوشیاری فراخواند او مشی و شعارهای جدید انقلاب را برای متوقف نماندن و ادامه راه انقلابی اعلام داشت نظام سوسیالیستی هدف او بود شوراهای کارگران و سربازان که در شهرهای گوناگون روسیه "سوویت" های خود را تشکیل داده بودند، از تزه های لنین حمایت کرده و خواهان تعمیق دستاوردهای انقلاب فیروزی شدند لنین خطاب به بلشویک ها، از آنها خواست تا سرعت به "سوویت" ها و شوراهای کارگران و سربازان ببینند و در رهبری این شوراها جای بگیرند تا بتوانند آنها را در جهت انقلاب رهبری کنند در فاصله ای کوتاه که فراتر از چند ماه نبود، بلشویک ها توانستند رهبری شورای مهم پتروگراد را به دست گیرند پیش بینی لنین در باره دولت موقت و مقابله آن با انقلاب خیلی زود تحقق یافت.

دولت **الکساندر کرنسکی** رویارویی با انقلاب و شوراها را آغاز و حلقه آزادی احزاب و مطبوعات را تنگ کرد رهبری شوراها (سوویت ها) نه تنها غافلگیر نشدند، بلکه ابتکار عمل برای مقابله با دولت را بدست گرفتند با آنکه شعار "قیام مسلحانه" تا آن زمان در دستور انقلاب نبود، یورش دولت کرنسکی به انقلاب و آغاز سرکوب مسلحانه انقلابیون این قیام را در دستور کار قرار داد و لنین اعلام کرد: "اگر دیروز زود بود، فردا دیر است" شبکه های سازمانی بلشویک ها که لنین آنها را انقلابیون حرفه ای خطاب می کرد سرعت برای تحقق شعار قیام مسلحانه وارد صحنه شدند لنین گفته بود هر یک از این شبکه های انقلابی باید بتوانند 25 هزار تن را در لحظه ضروری بسیج کرده و مسلح سازند بدین ترتیب تجربه شکست 1905 و مماشات 1912 به کار گرفته شد و این بار پیش از آنکه ضد انقلاب بتواند انقلابیون را قلع و قمع کند، این انقلابیون بودند که ابتکار عمل را بدست گرفته و خیز بزرگ و نهائی را برای در هم شکستن ماشین دولتی و بدست گرفتن رهبری کشور برداشتند.

شامگاه 24 اکتبر، بلشویک ها در پتروگراد قیام مسلحانه اعلام کردند. "گارد های سرخ"، دسته های مسلح کارگران، سربازان و روشنفکران به مراکز و ادارات دولتی حمله بردند، مراکز حساس را به تصرف در آوردند و وزرای دولت موقت را در "کاخ زمستانی" دستگیر کردند شعار مرحله ای لنین "تمام قدرت به شوراها" بود و "کنگره سراسری شوراهای روسیه" برای تحقق همین شعار تشکیل شد این کنگره بلافاصله با انقلاب و بلشویک ها اعلام همبستگی کرد و بدین ترتیب شورای شهر پتروگراد حاکمیت کشور را به "شورای کمیسر های خلق" به رهبری لنین واگذار کرد سخنرانی لنین در جلسه شورا یکی از هیجان انگیزترین و در عین حال انقلابی ترین سخنرانی های او بود او در همین کنگره به عنوان رئیس نخستین دولت سوسیالیستی جهان زمام امور را به دست گرفت او هدف دولت تازه را "حاکمیت کارگران و دهقانان" و برپایی نظام سوسیالیستی در روسیه اعلام کرد علاوه بر زحمتکشان، ستم دیدگان و محرومان جامعه، روشنفکران، هنرمندان و افسار مختلف مردم روسیه به حمایت از حاکمیت جدید برخاستند خاتمه بخشیدن به جنگ و اعلام صلح، بزرگترین وظیفه ای بود که دولت جدید در برابر خود قرار داد و این خواست عموم مردم روسیه بود در دسامبر 1917 میلادی **لنون تروتسکی** کمیسر خلق در امور خارجی، بعنوان وزیر خارجه دولت نوین سوسیالیستی در "برست لیتوفسک" با المان و اطریش قرارداد آشتی امضا کرد لنین این صلح را کلید تثبیت دولت و انقلاب تازه به قدرت رسیده می دانست و در تاکید بر ضرورت تقاهم در "برست لیتوفسک" و شرایط تحقیر آمیزی که المان اعلام کرده بود، به تروتسکی گفت: "حتی اگر از ما بخواهند که دامن بیوشم و به جلسه برویم، برای صلح و تثبیت انقلاب باید چنین کنیم .

جنگ پایان یافت، اما کشورهای سرمایه داری غرب و در راس آن ها انگلستان و المان توانستند سرعت و با هدف به زانو در آوردن انقلاب جنگ داخلی را به دولت جدید تحمیل کنند جبهه متحدی از نظامی های تزاری با نام "ارتش سفید" را تشکیل دادند تروتسکی در بسیج مردم و ارتش نوین برای مقابله با ارتش ضد انقلاب بزرگترین نقش را در این مرحله ایفاء کرد و از این طریق "ارتش سرخ" در برابر "ارتش سفید" پایه ریزی شد دو رُمان بزرگ و جاودانه شولوخوف با نام های "زمین نو آباد" و "لُن آرام" سرگذشت این دوران، یعنی از پیروزی انقلاب تا تثبیت دولت انقلابی، پایان جنگ و دوران جنگ داخلی است در همین دوران و همزمان با جنگ داخلی، ترور ضد انقلابی نیز در پایتخت آغاز شد، که بزرگترین قربانی آن "لنین بود".

او یکسال پس از انقلاب، هنگام بازدید و سخنرانی در یک کارخانه هدف گلوله قرار گرفت، لنین از این ترور جان به سلامت برد، اما یکی از گلوله ها از گردن وارد شده و به نخاع او لطمه ای جدی زد، این ترورهای ضد انقلابی، نه تنها به آزادی ها و فضای باز انقلابی لطمات جدید زد، بلکه موجی از دستگیری و یورش به مخالفان انقلاب را در پی آورد که به "ترور سرخ" شهرت دارد ترور لنین، در

فاصله زمانی اندکی موجب دشوار شدن حرکت لنین و نیمه فلج شدن او شد پایان سال 1920 میلادی آغاز تثبیت انقلاب و ناتوانی جسمی لنین برای ادامه رهبری انقلاب و دولتی شد که او بنیان نهاده بود واقعه ای که اگر اتفاق نیفتاده بود، رهبری دولت و انقلاب همچنان تا سال ها با لنین بود و ای بسا تصفیه های درونی، آغاز اختلافات درون حزبی و... روی نمی داد و فروپاشی اتحاد شوروی از درون آن بیرون نمی آمد در جنوری 1924 میلادی، سال نو با بزرگترین عزای ملی در شوروی آغاز شد و پیکر لنین از خانه بیلابلی و کوچک او در اطراف مسکو به پایتخت انقلاب "مسکو" منتقل شد، پیکر مومیایی شده او را در میدان سرخ در مقبره ای نهادند که نه تنها در تمام سال های برقراری اتحاد جمهوری های سوسیالیستی، بلکه در تمامی سال های فروپاشی اتحاد شوروی سوسیالیستی نیز مردم برای دیدن آن صف می کشند و نوبت می گیرند پلنتسین با همه مقدماتی که چیده بودند نتوانست این پیکر مومیایی شده را به نقطه دیگری منتقل کند .

2- تولد آنتول فرانس شاعر فرانسوی :- بتاریخ 16، اپریل 1844 میلادی: « آنتول فرانس» نویسنده، شاعر و ادیب فرانسوی در پاریس متولد شد، این هنرمند برجسته که به او پادشاه نثر فرانسه لقب داده اند آثار متعددی دارد که از آن میان «جلد صدف، تانیس و ملکه سبا» از همه مشهورترند.

3- تولد چارلی چاپلین :- بتاریخ 16، اپریل 1889 میلادی: « سرچالز اسپنسر چاپلین» معروف به چارلی چاپلین نابغه عالم سینما در شهر لندن به دنیا آمد، چارلی در 5 سالگی بر صحنه تئاتر ظاهر شد و به سرعت شهرت یافت، چاپلین در سال 1952 میلادی فیلم «لایم لایت» را کارگردانی کرد و بعد از آن به جهانگردی پرداخت، دولت آمریکا چارلی را به سبب همدردی با فقرا و محرومان جامعه در این کشور با محدودیتهایی مواجه ساخت؛ اما او هیچ گاه به بی بندوباریهای سینمای آمریکا آلوده نشد، فیلمهای چاپلین مشمون از هزل آمیخته با اندوه و انتقادات جسورانه و عشق به انسانیت است و مشهورترین آنها « جویندگان طلا، زندگی سگی و دیکتاتور بزرگ» هستند.

4- اعلام ریاست جمهوری در عراق :- بتاریخ 16، اپریل 1966 میلادی: «عبدالرحمن عارف» بطور رسمی ریاست جمهوری خود را در عراق اعلام کرد، او در پی کشته شدن عبدالسلام عارف در سانحه هوایی به این مقام دست یافت و اولین نخست وزیر غیر نظامی عراق بود عبدالرحمن عارف در سال 1968 میلادی در پی یک کودتای بدون خونریزی به ریاست احمد حسن البکر رهبر حزب بعث عراق از حکومت برکنار شد.

=====

روز شمار، هفدهم اپریل

1- خاتمه جنگ چین و جاپان :- بتاریخ 17 اپریل 1795 میلادی: « معاهده سی مونوزوکی » میان چین و جاپان به امضا رسید و جنگ دو کشور بر سر تصاحب شبه جزیره کره خاتمه یافت، چینی ها بدون اطلاع جاپان بر شمار قوای خود در کره افزودند و جاپانی ها در مقابل بدون اخطار قبلی به قوای چین حمله کردند، سرانجام چین پس از چند شکست سخت و پی در پی به پذیرش شرایط قرارداد سی مونوزوکی تن داد.

2- نخستین حق شرکت زنان در انتخابات زیلاندنو :- بتاریخ 17، اپریل 1889 میلادی: نخستین بار در تاریخ روابط سیاسی- اجتماعی قرون جدید در سرزمین زلاندنو یا نیوزیلند به زنان حق شرکت در انتخابات داده شد، در این کشور جمعیت زنان بسیار کمتر از مردان بود و دولت نیوزیلند با این نیرنگ سیاسی و آزادی مصلحتی قصد داشت موجبات مهاجرت زنان دیگر کشورها را به این کشور فراهم کند.

3- اعلام استقلال در کشور سوریه :- بتاریخ 17 اپریل 1946 میلادی: کشور سوریه از وجود سربازان اشغالگر خارجی پاک شد و اعلام استقلال کرد، این کشور آزاد در جون 1941 میلادی به دست نیروهای بریتانیا و فرانسه اشغال شد، اما پس از چند ماه قوماندان نیروهای فرانسه استقلال سوریه را آزاد اعلام کرد و در پی آن نظام جمهوری در این کشور برقرار شد، گفتنی است که پس از آن شیخ تاج الدین حسنی به مقام ریاست جمهوری سوریه دست یافت اما با این همه استقلال کامل سوریه از سال 1943 میلادی که جبهه ملی آن کشور به پیروزی رسید، بطور رسمی آغاز شد.

4 - نخستین گردهمایی کشورهای آسیایی و افریقایی :- بتاریخ 17 اپریل 1955 میلادی: « کنفرانس باندونگ» نخستین گردهمایی سیاسی بین المللی کشورهای آسیایی و افریقایی تشکیل شد، در روز 17 اپریل سال 1955 میلادی قبل از گشایش رسمی کنفرانس نمایندگان شرکت کننده دستور کار آیین نامه داخلی کنفرانس را دریافت کردند و بالاخره تصمیم گرفته شد که رئیس کنفرانس نخست وزیر اندونزی باشد و کنفرانس در 18 اپریل بطور رسمی افتتاح شد، این کنفرانس شامل 29 کشور بود که 6 کشور آن از قاره افریقا و 23 کشور از قاره آسیا بودند، نطق افتتاحیه کنفرانس را دکتر احمد سوکارنو ایراد کرد و در حاشیه آن ملاقاتهایی بین سوکارنو، چوئن لای، جمال عبدالناصر و نهری صورت گرفت که بسیار سرنوشته ساز بود؛ زیرا خط مشی سیاسی نهری، ناصر و سوکارنو بود که کنفرانس را تحت الشعاع خود قرارداد در پایان این نشست قطعنامه به منظور حمایت از همکاریهای اقتصادی و فرهنگی و حق تعیین سرنوشت ملل آسیایی و افریقایی تصویب شد، همچنین قطعنامه ای بر ضد استعمار از جمله استعمار فرانسه در مراکش و تونس و استعمار هالند در گینه جدید به تصویب رسید.

5 - قتل میر اکبر خبیر در کابل :- بتاریخ 17 اپریل 1978 میلادی (28 حمل 1357 خورشیدی) : میر اکبر خبیر یکی از رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بخش نظامی " پرچم " در کابل به طور مرموز به شهادت رسید و ترور شد، در مراسم تدفین «خبیر» بر علاوه منشی های عمومی حزب " نور محمد تره کی و ببرک کارمل " که بیانیه های ایراد نمودند بلکه هزاران تن دیگر در این مراسم شرکت داشتند، و جسد میر اکبر خبیر شهید بتاریخ 19 اپریل (30 حمل) برای دفن به ضریبه شهدای صالحین انتقال یافت و هوا داران حزب تظاهرات گسترده به منظور دستگیری قاتل میر اکبر به راه انداختند، چنانچه که این حرکت را سردار محمد داود بخود چلنج تلقی کرد، و چندی بعد امر گرفتاری رهبران حزب را صادر و آنها را زندانی نمود.

6 - اعدام دختری با موی سرخ :- بتاریخ 17 اپریل 1945 میلادی: اعدام « هانی شافت » دختر جوان هالندی که نازی ها در گزارشهایشان او را « دختری با موی سرخ » خطاب می کردند و به همین صورت هم وارد تاریخ فعالیت های جانبی جنگ جهانی دوم شده است 17 اپریل سال 1945 در امستردام اعدام شد، اگر اعدام او دو هفته به تأخیر افتاده بود جنگ پایان می یافت و زنده می ماند، پدر و مادر « هانی » هر دو معلم و سوسیالیست بودند، وی که در 25 سالگی اعدام شد از دهم ماه می سال 1940 میلادی که هالند به اشغال نیروهای المان در آمد وارد سازمان مقاومت هالندی ها بر ضد اشغال وطنشان شد، هانی در آن زمان محصل دانشگاه بود و برای این که شناخته نشود هر چند وقت یک بار رنگ موی خود را تغییر می داد و رابط چند واحد زیر زمینی مقاومت بود، او سرانجام در 21 مارچ سال 1945 - شش هفته مانده به پایان جنگ دوم در اروپا - دستگیر و چند روز بعد اعدام شد.

7- شکست حمله به کیوبا موسوم به نبرد خلیج خوکها :- بتاريخ 17 اپریل سال 1961 میلادی : جان اف کندی رئیس جمهوری وقت امریکا کمتر از سه ماه از آغاز زمامداری اش با شکست يك تعرض نظامي به کیوبا رو به رو شد، نقشه این تعرض در دوران حکومت آیزنهاور که 20 جنوری پایان یافته بود طرح شده و در نیمه اپریل با حمایت سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) به اجرا در آمده بود، طبق این طرح صدها تن از فراریان کیوبا بی که توسط امریکا مسلح شده بودند و شماری دیگر در منطقه خلیج خوکها به خاک کیوبا حمله کردند که این تعرض شکست خورد و 743 تن از حمله کنندگان اسیر شدند که بعداً کاسترو هر کدام از آنان را با يك تراکتور معاوضه و آزاد کرد، دشمنی دولت آیزنهاور با دولت کاسترو در کیوبا از زمانی آغاز شد که کاسترو اعلام کرد يك سوسیالیست است و نظام کیوبا سوسیالیستی خواهد بود و سپس دست به ملی کردن شرکتها و کسب و کار امریکائیان در کیوبا زد، قدمت فعالیت تجارتي بعضی از موسسات امریکائي در کیوبا به اوایل قرن 20 و اندکی پس از پیروزی امریکا در جنگ با هسپانیا در سال 1898 می رسيد، حزب سوسیالیست (پیرو مارکسیسم - لنینیسم) کیوبا در سال 1925 تاسیس شده بود که پس از پیروزی انقلاب کاسترو در 1959 به تدریج زمام امور این کشور را به دست گرفته بود، کاسترو که مبارزه اساسی خود را از 1953 آغاز کرده بود پس از يك شکست ، در سال 1959 با 9 هزار انقلابي مسلح از تبعید وارد کیوبا شد و به دیکتاتوري باتیستا پایان داد، امریکاییان در آغاز کار گمان نمی کردند که کاسترو کمونیست باشد و چیرگرایي را خصلت هر انقلابي می دانستند. کریستف کلمب در نخستین سفر خود در 1492 به کیوبا رسید و این جزیره را از مستملکات هسپانیا اعلام داشت که این سلطه تا پایان قرن 19 ادامه داشت و پدر کاسترو از مهاجران هسپانیایی بود، 24 اپریل سال 1961 میلادی کندی مسئولیت شکست حمله به خلیج خوکها را که طرح آن در زمان او به اجرا در آمده بود پذیرفت و از آن زمان بود که روابط امریکا با کیوبا تیره تر و دولت کیوبا به کشورهاي سوسیالیستی نزدیکتر شد.



8 - دویچک از حزب کمونیست چک اسلواکی برکنار شد :- بتاريخ 17 اپریل سال 1969 میلادی : الکساندر دویچک انجنیر 47 ساله از حزب کمونیست چک اسلواکی که در جنوری سال 1968 میلادی بحیث منشی عمومی آن برگزیده شده بود برکنار شد، «دویچک» پس از احراز منشی عمومی حزب کمونیست حاکم بر چک اسلواکی رهبر این کشور عضو پیمان ورشو شده بود و نسبت به احزاب کمونیستی دیگر روش ملایمی در پیش گرفته بود که بی شباهت به روش سوسیال دمکرات نبود، این روش که دویچک آن را سوسیالیسم با چهره خندان می خواند با مخالفت دولتهای کمونیستی و در صدر آنها شوروي قرار گرفته بود و چون دویچک حاضر به تغییر روش خود نشد در اگست سال 1968 میلادی ارتشهای کشورهای عضو پیمان ورشو وارد پراگ شدند و او را برکنار کردند، به این هم اکتفا نشد و دویچک در اپریل سال 1969 به اتهام ضعف وفاداری از حزب کمونیست اخراج و برای کار به يك کارخانه فرستاده شد، بیست سال بعد که پیمان ورشو منحل و حزب کمونیست زمام امور چک اسلواکی را رها ساخت دویچک باردیگر وارد صحنه شد و به ریاست پارلمان انتخاب گردید و گفت که از اعتقاد خود به سوسیالیسم دست برنداشته است، طولی نکشید که اعلام شد که وی در يك حادثه رانندگی کشته شده است.

=====

روز شمار، هجدهم اپریل

1- انفجار پر تلفات در ساختمان سفارت آمریکا در بیروت :- بتاريخ 18 اپریل سال 1983 میلادی : در اثر يك انفجار انتحاری قسمتی از ساختمان سفارت امریکا در شهر بیروت پایتخت لبنان ویران شد و 63 تن کشته و شماری نیز مجروح شدند، هشت تن از مقتولان از اتباع امریکا بودند، مواد منفجره در موتر قرار داده شده بود که در حال حرکت درمجاورت ساختمان سفارت منفجر شد و خرابی و تلفات به بار آورد.

2- اعلام استقلال بلغارستان :- بتاريخ 18، اپریل 1909 میلادی: بلغارستان استقلال کامل خود را اعلام کرد، این کشور در سال 1878 میلادی از دولت عثمانی جدا شد و برطبق پیمان سن استقانو امیرنشین خودمختار و قسمتی از مقدونیه شد، این پیمان درکنگره برلین مورد تجدید نظر قرار گرفت و بدین ترتیب بلغارستان تقسیم شد و هر سه ناحیه به نحوی تحت نفوذ دولت عثمانی قرار گرفتند، سرانجام نخستین شاه بلغارستان، روملیای شرقی را تصرف کرد و جانشین او فردیناند کوبورگ در سال 1909 میلادی استقلال کامل این سرزمین را اعلام کرد.

3 - استقلال جمهوری ایرلند :- بتاريخ 18، اپریل 1949 میلادی: جمهوری ایرلند به موجب قانون این جمهوری مستقل اعلام شد و از جامعه کشورهای مشترک المنافع خارج شد، این جمهوری مبارزات 800 ساله در تاریخ خود برای کسب استقلال از انگلستان ثبت کرده است، شایان توجه است که هنوز بخشهایی از ایرلند برای بدست آوردن آزادی با عوامل انگلیسی مبارزه میکنند.

4 - زلزله و حریق مرگبار و ویران ساز سانفرانسیسکو :- بتاريخ 18 اپریل سال 1906 میلادی : يك زلزله بسیار شدید و متعاقب آن حریق سه چهارم شهر سانفرانسیسکو را ویران ساخت و با این که در آن زمان این شهر جمعیت امروز را نداشت 700 تا چهار هزار تن کشته شدند، در میان این مقتولین 275 تن از زندانیان شهر بودند که در ساختمان زندان کشته شدند، در سال 1851 میلادی نیز حریق مرگباری در سانفرانسیسکو روی داده بود.

5 - کشور، زیمبابو به استقلال رسید :- بتاريخ 18، اپریل 1980 میلادی: « زیمبابوه » به استقلال رسید، این سرزمین از مستعمرات انگلستان در افریقا بود اما در پی نهضتهای استقلال طلبانه ملل افریقای بعد از جنگ جهانی دوم مستقل شد، در سال 1980 میلادی نیز رابرت موگابه در رأس حزب اتحاد ملی اکثریت کرسی های مجلس را بدست آورد و اولین دولت مستقل سیاهپوست زیمبابوه را تشکیل داد.

6 - درگذشت معاویه :- بتاريخ 18 اپریل سال 680 میلادی (ماه رجب سال 60 در تقویم هجری قمری) : معاویه موسس سلسله امویان در 78 سالگی درگذشت و پسرش یزید بر جایش نشست، معاویه که دمشق را پایتخت قرار داده بود از سال 661 تا سال 680 میلادی حکومت کرده بود.

معاویه از نظر شخصیتی انسانی زیرک و دوراندیش و سیاست به معنای امروزی کلمه بوده است، او در حل و فصل مشکلات، روش خاصی داشت، در برابر رقبای سیاسی، با حيله یا سم خود را از مهلکه نجات می داد چنانکه برای کشتن حسن بن علی و سعد وقاص از همین شیوه استفاده کرد تا برای پسر خود یزید بیعت بگیرد (1) او مالک اشتر را نیز، در هنگام حرکت مالک به مصر، به همین نحو کشت، شخصی با تطمیع معاویه مالک را با عسل زهر آلود، مسموم نمود و لذا معاویه می گفت: خداوند سپاهیان را دارد که یکی از آنها عسل است، همچنین وقتی احساس کرد که مردم شام به سوی عبدالرحمن بن خالد بن ولید، گرایش پیدا کرده اند او را به همین طرز سر به نیست کرد.

(2) سیاست‌های او بر مبنای تهدید و فشار و اختناق و گرسنه نگه‌داشتن مردم و همچنین احیای تمایلات قبیله‌ای و نژادی و دامن زدن به اختلافات در میان مخالفان و در نهایت تخریب افکار عمومی بنام دین و رنگ دینی دادن به حکومت خود، بوده است. «گفتگوی معاویه با دارمیه می‌تواند ما را به بعضی از صفات و روحیات معاویه رهنمون سازد، تاریخ می‌گوید که معاویه یک بار که به حج رفته بود سراغ زنی را گرفت که از بنی‌کنانه بود و در حجون مقیم و دارمیه نام داشت او را بیاوردند، زنی بود سیاه چرده و فربه، وقتی پیامد معاویه گفت ای دختر حام حالت چگونه است؟ گفت: اگر سر عیبجویی داری مرا دختر حام نمینامند من زنی از بنی کنانه هستم. معاویه گفت راست گفتی، می‌دانی چرا ترا خواستم؟ گفت: بجز خدا کسی غیب نمی‌داند. معاویه گفت: ترا خواستم تا از تو ببرسم چرا علی را دوست داری و مرا دشمن داری؟ دارمیه گفت: مرا از این گفتگو معاف دار.

معاویه گفت: معاف نیستی. دارمیه گفت: اگر اصرار داری می‌گویم من علی را دوست می‌دارم برای آنکه با مردم به عدالت رفتار می‌کرد و در قسمت مساوات را رعایت می‌فرمود و ترا دشمن دارم برای آنکه با کسی که بخلافت از تو سزاوارتر بود جنگ کردی و بطلب چیزی برخاستی که حق تو نبود. علی را دوست دارم برای آنکه فقیران را دوست می‌داشت و اهل دین را احترام می‌کرد. ترا دشمن دارم برای آنکه خونریزی می‌کنی و در قضاوت ستم روا می‌داری و در احکام خود پیرو هوس می‌شوی. معاویه گفت: بهمین سبب شکمت باد کرد و پستانهایت بزرگ شد.

دارمیه گفت: هند مادر تو ضرب المثل بود نه من. معاویه گفت: خاموش باش من بتو بد نگفتم، چون شکم زن باد کند خلقت فرزندش به کمال آید و چون پستانش هایش بزرگ باشد طفل شیرخوارش سیر شود، سپس بدو گفت آیا علی را دیدی؟ گفت: آری دیدم. گفت: او را چگونه دیدی؟ گفت او را دیدم که مانند تو بملک دلباخته نبود و نعمتی که تو را مشغول کرده او را مشغول نمی‌کرد. معاویه گفت: سخنش را شنیدی؟ گفت: آری بخدا زنگ نادانی را از دلها میزدود چنانکه روغن زنگ طشت را میزداید. معاویه گفت: راست گفتی، حاجتی داری؟ دارمیه گفت: اگر حاجتی بخواهم می‌پذیری؟ گفت: آری. دارمیه گفت: صد شتر سرخ با شتر نر و ساربان آن بمن ببخش. معاویه گفت: با آن چه خواهی کرد؟ گفت: با شیر آن کودکان را غذا می‌دهم و بزرگها را نگهداری می‌کنم و میان خاندانها را اصلاح می‌دهم. معاویه گفت: اگر صد شترت بدهم بنظر تو مانند علی می‌شوم؟ گفت: نه علی مقام دیگری دارد و تو مقام دیگری داری. معاویه صد شتر بدو بخشید و گفت: اگر علی بود چیزی بتو نمی‌داد. دارمیه گفت: بخدا بکفطعه پشم هم از مال مسلمانان بمن نمی‌داد. او کسی بود که غیر از کسب قدرت و حکمرانی بر مردم، هدف دیگری نداشت چنانکه خود در اجتماع مردم کوفه همین را گفت. (3) و همین زندگی اشرافی معاویه و شیوه برخورد او در کار خلافت، باعث شد تا سعد بن ابی‌وقاص نیز در وقت ورود بر او وی را «ملک» خطاب کند (4). معاویه به پرخوری معروف بوده است (5) و چنانچه زمخشری در ربیع الأبرار گفته است، او روزی هفت مرتبه غذا می‌خورده است و هر مرتبه آنقدر می‌خورد که در کنار سفره دراز می‌کشید و صدا می‌زد: غلام بیا سفره را بردار بخدا قسم از بس خوردم خسته شدم اما سیرنشدم. (6) پرخوری او ضرب المثل شده است، یکی از شعرا در هجو رفیق پرخوار خود اینگونه می‌گوید: و صاحب لی بطنه کالهاویة کان فی امعانه معاویه یعنی رفیقی دارم که شکم او مثل هاویه است (هاویه اسم یکی از طبقات جهنم است که بفرموده قرآن هرگز از قبول کفار سیری ندارد) مثل آنکه در امعاء و روده‌های او معاویه قرار گرفته است. (7)

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - مختصر تاریخ العرب، سید امیر علی، ص 62، مقاتل الطالبین، ص 29.
- 2 - تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ج 4، ص 71.
- 3 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16، ص 46، مختصر تاریخ دمشق، ج 25، ص 43.
- 4 - مختصر تاریخ دمشق، ج 8، ص 210، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 217.
- 5 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 335، چاپ مصر.
- 6 - ابن عباس نقل می‌کند که روزی پیامبر قاصدی را فرستاد تا معاویه را فراخواند که نامه‌ای برایش بنویسد اما او مشغول خوردن غذا بود و از آمدن امتناع کرد. پیامبر دوباره قاصد را فرستاد و همان عمل معاویه تکرار شد پیامبر در این وقت فرمود: خداوند شکم معاویه را سیر نکند، الاستیعاب فی معرفة الصحابة، ج 3، ص 1421.
- 7 - نقش عائشه در تاریخ اسلام، ج 3، ص 61 - 60.

=====

روز شمار، نژدهم اپریل

1 - روش انتخابات در کیوبا :- بتاريخ 19 اپریل سال 2005 میلادی: انتخابات منطقه ای کیوبا که در آن هشت میلیون رای دهنده شرکت کردند و اعضای 169 شورای محلی را برگزیدند پدیده تازه ای در دمکراسی تلقی شده است زیرا هرکس، صرف نظر از این که عضو حزب کمونیست (حاکم) و مورد تأیید این حزب بود و یا نبود می توانست خود را نامزد کند و به رای دهندگان تنها توصیه شده بود که طبق تشخیص خود از میان نامزدها افراد توانا و بهتر را انتخاب کنند، رزومه هر نامزد (شرح تجربه و تحصیلات و زندگی و هدفها و تخصص فرد و کارهای برجسته اش) از سوی کمیسیونهای انتخابات تهیه و از قبل در دسترس رای دهندگان قرار گرفته بود و به آنان حق داده شود که اگر بخواهند می توانند قبلا با نامزد مورد نظر مصاحبه کنند، پاره ای از کارشناسان امور دمکراسی این روش انتخابات را یک پلورالیسم واقعی خوانده و اظهارات 17 اپریل سال 2005 میلادی «فیل کاسترو» رهبر کیوبا را که گفته است بی عیب ترین انتخابات در دنیا بوده تأیید ضمنی کرده اند و گفته اند که روش خوبی بوده و ناراضی از آن مشاهده نشده است، «کاسترو» خواسته است که هرکس در هر گوشه از دنیا که به روش تازه انتخابات کیوبا تردید دارد بیاید و از نزدیک درباره آن تحقیق کند، در این روش نمایندگان تنها برای یک دوره 30 ماهه انتخاب می شوند.

2- تولد « ژرژ لویی بوفون » نویسنده فرانسوی :- بتاريخ 19، اپریل 1707 میلادی: «ژرژ لویی بوفون» طبیعی دان و نویسنده فرانسوی متولد شد، این محقق اروپایی بیشتر ایام عمر خود را صرف تحقیق علمی کرد و کتاب تاریخ طبیعی را در 44 جلد تألیف کرد، این کتاب مجموعه از اطلاعات علمی با ارزش درباره تاریخ طبیعی است که به سبکی ساده نگاشته شده است، بوفون در سال 1753 میلادی در مراسمی به عضویت اکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و نطق او در این مراسم به نام «گفتار در سبک» مشهور شد.

3 - مرگ لویی پاستور :- بتاريخ 19، اپریل 1895 میلادی: «لویی پاستور» شیمیدان فرانسوی از خدمتگزاران بشردار فانی را وداع گفت، لویی در پایان تحصیلات مقدماتی در پاریس چندسالی را با معلمی گذراند و در 27 سالگی موفق به کسب درجه دکتری در رشته علوم شد و

از همان زمان با سمت استاد شیمی مشغول تدریس شد و همزمان با آن مسئولیت تحقیقات علمی دانشسرای پاریس را نیز به عهده گرفت، پاستوردرباره تخمیر و بیماریهای کرم ابریشم و همچنین امراض مسری بویژه هاری نظریه های جدیدی ارائه کرد و در این موارد به کشفیاتی بزرگ دست یافت، پاستوردرفع بیماریهای عفونی و مبارزه با میکروبها هم موفقیت های بزرگی کسب کرد، این شیمیدان محقق اصول معالجه بیماریها و طریقه درمان امراض را تغییر داد و پایه های جدیدی در این زمینه ها بنا نهاد، گفتنی است که به پاس قدرانی از زحمات پاستوردولت فرانسه در سال 1888 میلادی انستیتوت پاستور را بنام وی نامگذاری کرد این مرکز بزرگترین مرکز تحقیقاتی طبی است و در اکثر کشورهای جهان شعبه دارد.

4 - زادروز دو اندیشمند آلمانی: - بتاریخ 19 اپریل : « گوستاو فخنر Gustav Fechner » فیلسوف آلمانی 19 اپریل سال 1801 به دنیا آمد و برای تکمیل سلیقه فیزیکی تلاش بسیار کرد، او در کتاب معروف خود « مقدمه ای بر سایکو فیزیک » زنده ماندن روح پس از مرگ جسم و اجتماع این ارواح در وقت مقرر را ثابت کرده است.

« هنریش ماریا فون هس » هنرمند تصویرگر آلمانی نیز در همین روز از ماه اپریل سال 1798 میلادی پا به عرصه وجود گذارد که به تصویرگران توصیه کرده است که تاریخ بخوانند و بر پایه اطلاعاتی که به دست می آورند به ترسیم چهره افراد و صحنه های قدیم بپردازند تا گذشته بشر فراموش نشود، وی به آن چه که اندرز داد عمل کرد و به ترسیم تصاویر افراد تاریخساز و صحنه رویدادهای تاریخی پرداخت.

5- استقلال آلبانیا: - بتاریخ 19 اپریل 1915 میلادی: آلبانی استقلال کامل خود را بازیافت، این کشور در زمان جنگ جهانی اول دچار هرج و مرج شد، در سال 1925 میلادی احمد بای زوغو رهبر قیام کنندگان آلبانی نظام جمهوری را برقرار کرد و خود رئیس جمهور آلبانی شد، پس از اشغال این سرزمین به دست موسولینی زوغو تبعید شد، در پایان جنگ جهانی دوم جنبش پارتیزانی به رهبری انور خوجه مجدداً جمهوری را در آلبانی اعلام کرد، پس از مرگ خوجه آلیا رامیرز حکومت را در آلبانی بدست گرفت.

6 - چه کسی بر روسیه حکومت می کند؟ - دولت قتل سازمان یافته مشابه در روسیه به فاصله دو روز (18 و 19 اپریل 2003) باعث اعتراض شدید پارلمان این کشور (دوما) و نگرانی مردم شده بود، یک نماینده مجلس فریاد زده بود که می خواهد بداند چه کسی بر روسیه حکومت می کند ؛ دولت و یا "مافیا" ؟ « سرگی یوشنکوف » نماینده مجلس و نایب رئیس حزب « روسیه لیبرال » هنگام خروج از خانه اش هدف گلوله قرار گرفت و روز بعد معاون مدیر شبکه تلویزیونی « تی. وی. اس » در شهر مورمانسک هنگام خروج از دفتر خود با شلیک گلوله کشته شد و در هر دو مورد - طبق معمول - قاتلان فرار کردند، یوشنکوف هشتمین نماینده مجلس روسیه بود که ترور شده بود و به اظهار نایب منشی عمومی حزب کمونیست روسیه، تا کنون کسی هم به جرم قتل آنان مجازات نشده بود ! در باره دوقتل تازه ، شایعات فراوان بود ؛ از جمله گفته می شد که این دو قتل کار کسانی بوده است که با توسل به کلاهبرداری دارند صنایع فلزکاری روسیه را که غیر دولتی گردیده و به معرض فروش گذارده شده اند بالا می کشند، انگیزه سیاسی این قتلها ، یک شایعه دیگر بود، از سوی دیگر ، در همین دو روز گزارش رسیده بود که بیماری ایندز در روسیه کولاک می کند و برخلاف گزارش دولت ، تا آن زمان شمار ایندزی های این کشور به رقم یک میلیون و پانصد هزار رسیده بود، دولت این رقم را 235 هزار گزارش کرده بود، اعتیاد به مواد مخدر ، سیگار و الکل نیز در روسیه به طرز خطرناکی رو به افزایش بوده است و در دوازدهمین سال فروپاشی سوسیالیسم ، این وضعیت دورنمای روشنی از جامعه روسیه را به دست نمی داد.

=====

روز شمار، بیستم اپریل

1- اعلام استقلال جزیره ایسلند: - بتاریخ 20، اپریل 920 میلادی: جزیره ایسلند با تشکیل مجلس عمومی بنام آلتینگ استقلال خود را اعلام کرد، ایسلند از قرن 13 میلادی تحت حاکمیت پادشاه کشور ناروی و سپس دنمارک بود، در زمان جنگ جهانی دوم پس از تصرف دنمارک بدست نیروهای آلمانی، قوای بریتانیا نیز ایسلند را اشغال کرد، اما بعد از جنگ ایسلندی در همه پرسی به استقلال کشور خود رأی دادند و به اتحاد با دنمارک نیز پایان بخشیدند.

2- تولد «سیمون بولیوار» سیاستمدار آمریکای جنوبی: - بتاریخ 20، اپریل 1783 میلادی: «سیمون بولیوار» سیاستمدار انقلابی آمریکای جنوبی در کاراکاس بنیاد آمد، بولیوار در انقلاب کاراکاس حضور فعال داشت و کنگره ای که برای تشکیل کلمبیایی بزرگ ایجاد شده بود او را به ریاست جمهوری انتخاب کرد، بولیوار نیروهای اسپانیایی را از ونزوئلا بیرون راند و سرزمینهای اکوادور و کلمبیا را در اختیار خود گرفت، در سال 1822 میلادی فعالیتهای آزادیبخش بولیوار گسترش یافت بطوریکه فرماندهی نیروهای مسلح پرو را هم برعهده گرفت در سال 1825 میلادی در بدست آوردن پیروزی آنها را یاری کرد، بولیوار همچنین مأمور طرح قانون اساسی جدید برای آزادی سرزمینی شد که امروزه بولیوی خوانده می شود.

3 - ترور پونتیاک رئیس اتحاد قبایل سرخپوست: - بتاریخ 20 اپریل سال 1769 میلادی: «پونتیاک» رئیس قبیله سرخپوستان « اوتاوا » قربانی توطئه انگلیسی ها گردید که بر شرق آمریکای شمالی استیلاء داشتند و جان خود را از دست داد، در آن زمان هنوز مهاجرنشینان استقلال نداشتند، « پونتیاک » پس از تشکیل اتحادیه ای از قبایل « دلور » ، « چیاوا » ، « اوتاوا » و « شاونی » ، از 1763 تا 1766 میلادی با نیروهای انگلیسی جنگیده و تلفات وارد ساخته بود ، وی ضمن این زد و خوردها یک بار پایگاه نظامیان انگلستان در محل شهر دیترویت امروز (ایالت میشیگان) را محاصره کرده بود « پونتیاک » عقیده داشت که مهاجران سفیدپوست اروپایی که طمع به اراضی و وطن سرخپوستان دارند به آنان ترحم نخواهند کرد و راهی جز جنگ وجود ندارد و این نظر خود را به قبایل دیگر تلقین می کرد، با وجود این نسبت به فرانسویان که در غرب کوههای اپالچیان (آپالاش) فعالیت داشتند نظر بدی نداشت و از آنان جنگ افزار می گرفت، وی زمانی از همه اروپاییان خشمگین شد که شنید فرانسویان بدون اطلاع او مرزهای مناطق فعالیت خود را با انگلیسی ها تعیین کرده اند و انگلیسی ها سرگرم توطئه برای برهم زدن اتحاد قبایل سرخپوست هستند، « پونتیاک » راه جلولیری از تفرقه را در ادامه جنگ و سرگرم کردن قبایل به مبارزه دانست که انگلیسی ها دست او را خواندند و نقشه قتل او را از طریق ترور کشیدند که به اجرا در آمد و ..

4 - نظر مارکوس اورلیوس در قضات: - بتاریخ 20 اپریل سال 121 میلادی: مارکوس اورلیوس آنتونیوس Marcus Aurelius Antonius به دنیا آمد و از سال 161 تا 180 امپراتور انتخابی روم بود و بیش از هر امپراتور رومی دیگر به امر قضاوت و دادگاه توجه داشت، وی می گفت که یک قاضی خوب بهتر از سرباز مسلح می تواند نظم جامعه را حفظ کند ، زیرا که نظم بدون عدالت را برای مدتی طولانی نمی توان حفظ کرد و عدالت به سرپنجه تدبیر قاضی خوب و بی نظر برقرار می شود، برخی از مورخان 26 اپریل را زاد روز مارکوس نوشته اند، مارکوس در طول 19 سال حکومت خود دوبار در صدد جنگ با ایران بر آمد که بار اول نیروهای او در

کاپادوکیه از جنرال خسرو فرمانده نیروهای ایران شکست خوردند و فرمانده آنان کشته شد و در حمله دوم، رومی‌ها به طاعون مبتلا شدند و این بیماری را از سوریه به اروپا منتقل کردند که تلفات سنگینی وارد ساخت و برادر مارکوس از همین بیماری درگذشت، مارکوس اورلیوس معاصر بلاش سوم بود که شاهی با تدبیر بود.

=====

روز شمار، بیست و یکم اپریل

1- در گذشت «مارک تواین» نویسنده و منتقد امریکایی: - بتاریخ 21 اپریل 1744 میلادی: «مارک تواین» نویسنده و منتقد امریکایی در 75 سالگی درگذشت، او برخلاف میل پدرش که وکیل دعوی بود به مشاغل غیراقتصادی پرداخت، وی مدتی هم به کشتی رانی بر روی رودخانه (می سی سی پی) پرداخت، مارک تواین در آثار خود اوضاع اجتماعی آن زمان آمریکا را در نظر خوانندگان مجسم می کرد و از ناپسامانها انتقاد می کرد، «تام سایر و شاهزاده و گدا» از آثار مارک تواین بشمار می روند.

2- در گذشت اقبال لاهوری: - بتاریخ 21 اپریل 1938 میلادی: علامه محمد اقبال لاهوری مسلمان آگاه، متفکر و شاعر پارسی گوی پاکستان دارفانی را وداع گفت، اقبال لاهوری تحصیلات عالی را در آلمان و انگلستان به پایان رساند، اقبال لاهوری از دوران نوجوانی سرودن شعر را آغاز کرد و نخستین قطعه شعر او ناله یتیم نام داشت، علامه اقبال شاعری متعهد بود و در وطنش برای آگاه کردن هموطنان خویش و متحد ساختن آنان و دیگر مسلمانان جهان تلاش بسیار کرد از این رو از پیشروان و اصلاح طلبان بزرگ دینی در هند، و از بنیان استقلال پاکستان محسوب می شود «سیر فلسفه در ایران، اسرار خودی و ارمغان حجاز» از جمله آثار تألیفی علامه محمد اقبال لاهوری بشمار می روند.

3- آغاز تصویب کنوانسیون ژنو: - بتاریخ 21 اپریل سال 1949 میلادی: کار تصویب کنوانسیون ژنو آغاز شد، کار تصویب این کنوانسیون که تا بیست و یکم اگست همان سال به طول انجامید، کنوانسیون مزبور تا حدود زیادی وضعیت حقوقی جنگ و همچنین اسرای متخاصمین را مشخص می کرد.

4- انتشار جریده «پراودا» در مسکو: - بتاریخ 21 اپریل سال 1917 میلادی: کار انتشار نشریه «پراودا» در اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد، این روز نامه ارگان حزب کمونیست بود و مدت هفتاد سال اندیشه های حزب را در کشور اتحاد جماهیر شوروی منتشر می کرد.

5- در گذشت جنرال ایوب خان: - بتاریخ 21 اپریل سال 1974 میلادی: جنرال محمد ایوب خان رئیس جمهور پاکستان درگذشت، وی با انجام یک کودتای نظامی در این کشور بر اریکه قدرت در پاکستان تکیه زد.

6- اولین پادشاه انگلستان: - بتاریخ 21 اپریل سال 827 میلادی: سلطنت «آگبرت» اولین پادشاه انگلستان آغاز شد، تا قبل از این که آگبرت بعد از جنگهای طولانی موفق به تاسیس سلطنت در آن سرزمین شود "رژیم ملوک الطوائفی در انگلستان برقرار بود، «آگبرت» از روئسای قبیله "ساکسون" بود و پس از مبارزات متعددی که با روئسای سایر قبایل نمود همه آنها را مطیع خود کرد و سلطنت انگلستان را تاسیس نمود.

7- قرار داد مساعدت هفت میلیون دالر جاپان به افغانستان: - بتاریخ 21 اپریل 2005 میلادی مطابق پنجشنبه اول ثور 1384 خورشیدی: دفتر همکاری های بین المللی جاپان هفت میلیون دالر امریکایی را جهت پیشبرد تحقیقات زراعتی و بلند بردن ظرفیتهای کاری در این بخش به دولت افغانستان کمک مینماید، قرارداد این کمک، بین عبیدالله رامین وزیر زراعت، مالداری و مواد غذایی و رئیس دفتر همکاری های بین المللی جاپان (جایکا) بتاریخ 31 حمل به امضاء رسید، انجینیر محمد شریف، معین اول این وزارت هدف این قرارداد را، به منظور تاسیس لابراتوارها جهت تحقیقات بر روی نوعیت مناسب نهال ها، تخمهای بذری و دایر نمودن ورکشاپ ها جهت بلند بردن سطح آگاهی کارمندان و دهاقین، مفید خواند، وزیر زراعت به آژانس خبری پژواک گفت: ((ما باید کوشش کنیم تا زراعت عنعنوی را به زراعت مدرن تبدیل نماییم.)) به گفته شریف این قرارداد برای پنج سال می باشد، وی افزود که پول این قرارداد در دو سال اول برای هر سال دو میلیون دالر امریکایی و برای سه سال دوم برای هر سال آن یک میلیون دالر امریکایی از سوی جاپان پرداخت می گردد، افغانستان کشوری است که تقریباً 80 فیصد مردم آن زراعت پیشه بوده و در سه دهه اخیر از اثر جنگ و خشک سالی ها خسارات زیادی در عرصه زراعت متحمل شده اند.

8- درخشانترین چهره طبیعی فرانسه: - بتاریخ 21 اپریل سال 1744 میلادی: «لامارک» یکی از درخشان ترین چهره های طبیعی فرانسه در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی به "بازننن" در ایالت "پیکاردی" قدم به عرصه وجود گذاشت، وی از خانواده های اشرافی و محترم فرانسه بود و نام کامل او «ژان باپتیست دومونه شوالیه دو لامارک» بود او، مؤلف دائرةالمعارف گیاهی است که ارزش علمی فراوان دارد «لامارک» روز 30 اگست سال 1829 میلادی وفات یافت.

=====

روز شمار، بیست و دوم اپریل

1- اولین بار استفاده از گاز سمی: - بتاریخ 22، اپریل 1915 میلادی: اولین بار در تاریخ پیکارهای کشورهای جهان از گاز سمی استفاده شد، این گاز را که به گاز خفه کننده مشهور بود نخستین بار آلمانی ها در جنگ ایبره به کار بردند، گفتنی است که پس از اختراع ماسک ضد گاز از اثر این گاز کاسته شد و کمی بعد به کلی بی اثر گردید.

2- به آتش کشیدن الجزیره پایتخت الجزایر: - بتاریخ 22، اپریل 1961 میلادی: قوای نظامی سرب فرانسه الجزیره پایتخت الجزایر را به آتش کشید، قوای نظامی سرب فرانسه را عده ای از افسران فرانسه که در الجزایر مستقر بودند تشکیل دادند و هدفشان مبارزه با استقلال الجزایر و مخالفت با سیاستهای جنرال دوگل بود، قوای نظامی سرب فرانسه مدتی بعد از دستگیری برخی از رهبران این سازمان از جمله جنرال سالان منحل شد.

3- تولد «امانوئل کانت» فیلسوف آلمانی: - بتاریخ 22، اپریل 1724 میلادی: «امانوئل کانت» فیلسوف آلمانی متولد شد، وی در اکثر رشته های علمی به تحقیق و مطالعه پرداخته بود، کانت در علوم ریاضی، طبیعی، زمین شناسی و جغرافیای طبیعی، منطق و مسائل دینی کتابها و رساله های متعدد دارد، کانت معتقد بود که عقل نظری از درک حقیقت اشیا عاجز است.

4- تصرف جزایر «خالدات»: - بتاریخ 22 اپریل سال 1402 میلادی: برای اولین بار در تاریخ تلاش دول اروپایی برای تصرف سرزمینهای جدید، جزایر معروف "خالدات" (یا کاناری) که به آن "قناری" هم میگویند، به تصرف یک دریانورد، اهل نورماندی به

نام «ژان دوبتان - کورت» درآمد، این جزایر که در شمال غربی آفریقا در اقیانوس اطلس واقع شده اند بعدها، ضمیمه کشور نیرومند اسپانیا شدند و هنوز هم متعلق به همان کشورند.

5 - انقلاب بزرگ کیوبا :- بتاريخ 22 اپریل سال 1895 میلادی : انقلاب بزرگ "کیوبا" برای آزاد کردن این جزیره از قید استعمار اسپانیا آغاز شد و این "سومین انقلابی بود که در دومین نیمه قرن نوزدهم" توسط آزادیخواهان و استقلال طلبان آن سرزمین اتفاق افتاد، قیام اول در سال 1868 و قیام دوم 10 سال بعد در سال 1878 میلادی هر دو به شدت سرکوب شده بودند، انقلاب سال 1895 میلادی کیوبا با واگذاری جزیره کیوبا از طرف اسپانیا به آمریکا پایان یافت.

6 - تولد لنین :- بتاريخ 22 اپریل سال 1870 میلادی : «اولیانوسک ولادیمیر - اولیانوویچ - لنین» یکی از بزرگترین رهبران سیاسی جهان در قرن بیستم میلادی، در شهری به نام "سیمبرسک" که امروزه نامیده میشود متولد شد بعد از اتمام تحصیلات، به وکالت قضایی پرداخت و سپس به ماجراهای سیاسی کشیده شد و در انقلاب اکتبر سال 1917 میلادی رهبر انقلاب و سپس رهبر روسیه شوروی گردید، «ولادیمیر ایلچ» (لنین) بتاريخ 22 اپریل سال 1917 شش روز پس از بازگشت از تبعید به وطن - در زادروز خود - بیانیه ای منتشر ساخت که جامعترین تعریف از اختلاف طبقاتی به شمار آمده است، در مقدمه این بیانیه آمده است : جدا سازی مردم از هم در يك جامعه که از دیر زمان «کلاس» خوانده شده است عامل اقتصادی دارد و ثروت است که این کلاسها را به وجود می آورد، بشر ذاتا جمع ثروت در دست يك یا چند فرد و چند خانواده را به حق نمی داند و تحمل نمی کند و سرچشمه دشمنی و مبارزه پنهان و آشکار از همین جاست، همین اختلاف طبقاتی و جداسازی انسانها که یکسان و برابر زاده می شوند در طول تاریخ باعث جنگها و طغیانها بوده است و تا مسئله ثروت و خروج آن از دست شماری کم حل نشود این جنگ و جدالها ادامه خواهد داشت .

طبقه ثروتمند استثمارکننده سایرین است و استثمار آگاه و روشن نشود، طبقه استثمارگر مساعی خود را بکار می برد که نه تنها دولت را در کنترل داشته باشد بلکه ابزارهای روشنگری (رسانه ها) هم مستقیم و غیر مستقیم از دستش خارج نشود..... ما بپا خاسته ایم تا به این وضعیت چند هزار ساله پایان بدهیم ، زیرا خواست نهانی بشر است، شوق به جمع کردن پول که يك عادت ، و به زیان توده ها است باید تبدیل به اشتیاقهای دیگر شود - شوق خدمت به هم نوع ، صلح ، بشریت ، تحقق جامعه بدون طبقه، تامین سعادت مردم و.... «لنین» در بیانیه 16 اپریل سال 1917 خود که بلافاصله پس از بازگشت از تبعید 11 ساله صادر کرده بود کاپیتالیسم و آزمندی دولتهای توانمند را عامل جنگ جهانی اول خوانده بود که نتوانسته بودند بر سرچاپیدن کشورهای دیگر و بلعیدن مواد خام و کارگر ارزان در آن سرزمین ها به سازش برسند، وی جنگ بر سر استثمار و گسترش منطقه نفوذ را يك پیشروی گستاخانه و جنایت نسبت به بشریت خوانده بود، لنین 22 اپریل سال 1870 میلادی به دنیا آمد و 54 سال عمر کرد.

7 - وفات اولین خبرنگار زن در جهان :- بتاريخ 22 اپریل سال 1912 میلادی: «الیزابت کوچرین» اولین خبرنگار زن جهان بعد از 44 سال زندگی چشم از دنیا پوشید، «الیزابت» که روز 11 نومبر سال 1868 میلادی متولد شده بود در 19 سالگی وارد مطبوعات شد و بعدها اخباری که وی به دست میآورد به قدری مورد توجه بود که مردان قادر به گرفتن آن نبودند، وی يك سفر به دور دنیا نیز کرد که هفتاد و دو روز به طول انجامید .

=====

روز شمار، بیست و سوم اپریل

1- درگذشت بنیانگذار سینمای هنری هند :- بتاريخ 23، اپریل 1992 میلادی: «سایتا چیتراي» کارگردان و سناریونویس هندی درگذشت، او بنیانگذار سینمای هنری هند بود و همواره تلاش می کرد که فیلمهایش به واقعیات اجتماعی نزدیک باشند، از این رو بیشترین توجه را به زندگی ساده و روزمره مردم هند معطوف می داشت، آواز جادو نخستین فیلم چیت رای از آثار بهتر اوست.

2- تولد «مالکس پلانک» فزیکدان آلمانی :- بتاريخ 23، اپریل 1858 میلادی: «مالکس پلانک» فزیکدان و ریاضیدان آلمانی در این کشور متولد شد، پلانک واضع نظریه کوانتوم در فیزیک است و بواسطه ارائه این نظریه بسیار مهم در سال 1918 میلادی جایزه نوبل فیزیک را از آن خود کرد، پلانک از مخالفان سرسخت هیتلر بود، این دانشمند برجسته آلمانی تحقیقات خود ارزشمندی در زمینه فیزیک نظری، حرارت، نورو ترمودینامیک انجام داده است.

3- تولد «ویلیام شکسپیر» نمایشنامه نویس انگلیسی :- بتاريخ 23، اپریل 1564 میلادی: «ویلیام شکسپیر» نمایشنامه نویس پرآوازه و ادیب بزرگ انگلیسی بدنیا آمد، شکسپیر در جوانی در تماشاخانه ها نگهداری می شد اما در اندک مدتی به گروه بازیگران پیوست و سرانجام در بازیگری و نمایشنامه نویسی به شهرت رسید، سبک شکسپیر به مکتب کلاسیک تعلق دارد و آثارش ترکیبی از تراژدی و کمدی است، از مشهورترین آثار شکسپیر اتلو، ژولیوس سزار، هملت، شاه لیر و روموژولیت را می توان نام برد.

4 - بلجیم دارای پارلمان شد :- بتاريخ 23 اپریل سال 1893 میلادی: مردان بالغ بلجیم اجازه یافتند نماینده انتخاب کنند و این نمایندگان تشکیل پارلمان و شورای شهر دهند و از جانب آنان حکومت کنند، تعیین نخست وزیر و تایید انتصاب وزیران در اختیار پارلمان قرار گرفت، در همان زمان به رای دهندگان بلجیمی تاکید شد که با چشم باز آراء خود را به صندوقها بیندازند و در انتخاب نماینده تحت تاثیر تبلیغات و تلقین دیگران قرار نگیرند و گرنه منظور از دموکراسی و رای مخفی تحقق نخواهد یافت، به رای دهندگان همچنین گفته شد که مهمترین کار پارلمان و شورای شهر وضع مالیات است که از جیب آنان خارج می شود و اگر مالیات اخذ نشود چرخهای عمومی نخواهد چرخید و....

5 - کشور پهناور برازیل متعلق به پرتغال شد :- بتاريخ 23 اپریل سال 1500 میلادی: «پدرو آلوارز کابرال» دریانورد پرتگالی که آرزوی ثروتمند شدن خود و توانمند ساختن وطنش پرتغال بود به سرزمینی در قاره آمریکا رسید که چون دارای جنگلهای درخت برازیل (چوب سرخ) بود نامش را برازیل گذارد و پس از يك توقف هشت روزه ، اول ماه می آنجا را ملك شخصی پادشاه پرتغال اعلام داشت و با نصب يك پرچم پرتگالی و يك صلیب چوبی که همانجا ساخته شده بود آن سرزمین پهناور و مسکون را به همین آسانی متصاحب شد، «کابرال» و همراهانش هنگام ورود به برازیل با انبوه بومیان رو به رو شدند که در کلبه های بزرگ زندگی می کردند و در گهواره (هموک) می خوابیدند و برای شکار از تیر و کمان استفاده می کردند و مردمانی صلح طلب بودند و در صدد وارد ساختن آزار به تازه واردین برنیامند، «کابرال» چند مجرم را که از زندان پرتغال با خود آورده بود و نگران مرگ آنان نبود در برازیل باقی گذارد و یکی از کشتیهایش را روانه پرتغال ساخت تا خبر این کشف را به پادشاه برساند و از آنجا عازم هند شد.

وي از جانب پادشاه پرتغال ماموريت داشت که به هند برود و در سر راه خود به هند که قبلاً «وسکو دوگاما» و همراهان پرتگالی او رفته بودند مرکزی میان راه تاسيس کند، به همین دليل با خود 1200 مرد مسلح و 13 کشتي برده بود، پادشاه پرتغال با اين که «دياز» را با کابرال همراه کرده بود با توجه به تجربه «وسکو دوگاما» به او توصیه کرده بود بيش از دريا نوردان قبلي در جهت جنوب در اقيانوس اطلس پيش برود و سپس از آنجا به سوي اقيانوس هند حرکت کند تا گرفتار توفانهاي مجاور دماغه اميد نيك نشود، «دياز» 12 سال پيش از آن به عنوان نخستين اروپايي به دماغه اميد نيك در منتهي اليه قاره افريقا رسیده بود و راه ورود به اقيانوس هند را پيدا کرده بود و «وسکو دوگاما» در 23 ماه می سال 1498 پس از طی همین مسير به هند رسیده بود، «کابرال» قصد سفر به قاره امريکا را که «کریستف کلمب» از جانب هسپانيا هشت سال پيش از آن در سال (1492) رسیده بود نداشت اما در میان اقيانوس اطلس جنوبي راه را گم کرد و به برزابل رسيد و پس اعلام تملك آن به نام پادشاه پرتغال !! عازم ماموريت اصلي شد که رسيدن به هند و جزاير ادويه (اندونزي) بود.

میان راه کشتي هاي «کابرال» دچار توفان و قطعه یخهاي سرگردان شدند و چهار کشتي و بسياري از مردان او از جمله «دياز» از دست رفتند با وجود اين «کابرال» به ماموريت خود ادامه داد و از مناطق مورد نظر دين کرد، اين سفر ها مقدمه برتري اروپا (غرب) بر ساير نقاط شده است که هنوز ادامه دارد، عامل اين برتري از همان زمان اسلحه پيشرفته بود که هنوز هم به قوت خود باقي است، اروپاييان با استفاده از سفر نامه «مارکوپولو» از چگونگي ساخت "باروت" و "قطب نما" که در چين معمول بود آگاه شدند ؛ توپ و تفنگ ساختند و قادر به عبور از دريا هاي عميق و دور دست شدند و ... و از آن زمان تا به امروز کوششان بر اين است که هر کشوري داراي اسلحه پيشرفته که کلید آقايي کردن و يا خارج شدن از مرحله آقا داشتن است نشوند.

=====

روز شمار، بيست و چارم اپريل

1 - سفر «مارکو پولو» به قاره آسيا :- بتاريخ 24، اپريل 1271 ميلادي: «مارکوپولو» جهانگرد سفر تاريخي خود را به قاره آسيا آغاز کرد، پدرو کاکای مارکو قبل از او زماني که چين شمالي و جنوبي، مغولستان، ترکستان شرقي و ايران در نرسف چنگيز خان بود از راه آسياي صغير و ايران به چين سفر کرده بودند، مارکو پس از بازگشت آنان به اتفاق پدر به چين رفت و مدت ها در اين سرزمين و جزاير جنوب شرقي آسيا سياحت کرد، مارکوپولو بعد از 20 سال به ونيز، بازگشت و خاطرات سفر طولاني خود را در کتابي بنام «عجايب» گرد آورد.

2 - مهاجرت ارمنيان :- بتاريخ 24، اپريل 1915 ميلادي: سياست براندازي ارمني در ترکیه قتل عام بيش از يك ميليون و پانصد هزار تن از ارمني اين کشور را در پي داشت، از آن زمان بسياري از ارمني ترکیه همچون آوارگان به زندگي ادامه مي دهند و شمار زيادي از آنان مجبور به ترک وطن خود شده اند و به کشورهاي ديگر مهاجرت کرده اند.

3 - قتل عام خونين مردم ايرلند براي آزادي :- بتاريخ 24، اپريل 1916 ميلادي: قتل عام خونين مردم ايرلند در راه کسب آزادي و استقلال از دولت انگلستان آغاز شد، اين قيام را نهضت استقلال طلب شين فين شروع کرد و با طرح پيشنهادي انگليس مبني بر تشکيل دو پارلمان در ايرلند شمالي و ايرلند جنوبي مخالفت کرد سرانجام در سال 1922 ميلادي کشور آزاد ايرلند اعلام موجوديت کرد.

=====

روز شمار، بيست و پنجم اپريل

1 - «پالاتي نا» از ايالات المان ويران شد :- بتاريخ 25، اپريل 1688 ميلادي : «پالاتي نا» از ايالات المان در قرن هفدهم ميلادي ويران شد اين ايالت که امروزه «پنالز» ناميده مي شود در اثناي جنگهاي 9 ساله میان کشورهاي عضو اتحاد اوگسبورگ و فرانسه در زمان سلطنت لويي 14 به دست فرانسويان ويران شد، در اين نبرد اکثر دهکده ها، شهرها و کلیساها با خاک يکسان شد و مزارع در آتش سوخت اين ويراني از عوامل اصلي کينه الماني ها به فرانسويان شد.

2 - حفر کانال سويس :- بتاريخ 25، اپريل 1859 ميلادي: «عمليات حفر کانال سويس» به منظور اتصال آب درياي مدیترانه به درياي سرخ آغاز شد عامل اجراي اين طرح «فردینالد دوله سپيس» اجنير فرانسوي بود، اما طرح اوليه احداث چنين کانالي را به داريوش هخامنشي نسبت مي دهند، عمليات نهايي حفر کانال سويس نيز بدست امريکايي ها انجام گرفت.

3 - رهايي مردم از مصيبت فاشيزم ايتاليا :- بتاريخ 25، اپريل 1945 ميلادي : کشور ايتاليا از دست فاشيست رهايي يافت، اين کشور در سال 1940 متحد المان نازي در جنگ دوم جهاني شد، اما شکست فاشيستهاي ايتاليا در يونان و شمال افريقا به تسخير بخشي از خاک ايتاليا به دست متفقين منجر شد، در پي اين حادثه و پس از برکناري موسوليني دولت ايتاليا با متفقين پيماني منعقد ساخت و اين بار متحد با آنها در جنگ با المان شد، عاقبت در سال 1945 ميلادي با شکست المان نازي و اعدام موسوليني به دست نيروهاي ضد فاشيسم اين کشور از سلطه فاشيستها نجات پيدا کرد.

=====

روز شمار، بيست و ششم اپريل

1 - نخستين روز نامه چاپ المان :- بتاريخ 26، اپريل 1630 ميلادي : نخستين روزنامه جهان در المان بنام «لون» چاپ و منتشر شد، در حال حاضر تنها چند نسخه از اين روزنامه باقي است که در موزه هاي بزرگ دنيا نگهداري مي شود.

2 - ايجاد سازمان گتاپو در المان :- بتاريخ 26، اپريل 1933 ميلادي: سازمان مخوف گتاپو در المان بوجود آمد مؤسس اين سازمان هولناک، «هرمان گورینگ» مارشال المان نازي از افسران بلند رتبه هیتلر بود، گتاپو به مفهوم پليس مخفي است و هدف از ايجاد اين سازمان شناسايي، دستگير و اعدام افراي بود که به هر عنوان با نازيسم و هیتلر مخالف بودند، هايپریش هيملر از معروفترين رؤساي گتاپو بود که از سال 1934 ميلادي تا پايان عمرش در اين سمت بود.

3 - حادثه اتمی چرونوبيل دراوکراين :- بتاريخ 26، اپريل 1968 ميلادي: بزرگترين و شديدترين حادثه اتمی در نيروگاه اتمی چرونوبيل اوکراين بوقوع پيوست، در پي اين انفجار اين راکتور اتمی در 130 كيلو متری شمال كي اف اين منطقه به جهنم مبدل شد و امواج راديو اکتیو در فضاي اطراف پراکنده شد و با وزش باد در همه جا گسترش يافت، در اين حادثه عدهاي زيادي جان خود را از دست دادند و بيش از 200 تن مجروح شدند.

=====

روز شمار، بيست و هفتم اپريل

1 - لغو قانون بردگی در جمهوری فرانسه :- بتاريخ 27، اپریل 1848 میلادی حکومت جمهوری فرانسه قانون لغو فوری بردگی در مستعمرات فرانسه را تصویب کرد، در دوران انقلاب فرانسه، نمایندگان کنوانسیون قانون لغو بردگی را تصویب کرده بودند، اما پس از به قدرت رسیدن ناپلئون بناپارت به عنوان کنسور اول فرانسه، وی در 20 می سال 1802 میلادی این قانون را ملغاً اعلام کرد و دوباره برده داری در مستعمرات فرانسه رایج گردید، در سال 1833 میلادی دولت انگلستان به طور قطعی برده داری را در تمام مستعمراتش ملغاً کرد، در فرانسه به لطف تلاش های ویکتور شونلشر يك جمهوری خواه لیبرال پانزده سال بعد و در دوران جمهوری دوم فرانسه بار دیگر اما برای همیشه قانون لغو بردگی در مستعمرات فرانسه به تصویب رسید، پس از سرنگونی سلطنت لویی فیلیپ اول و استقرار جمهوری دوم فرانسه ویکتور شونلشر از موقعیت خود به عنوان معاون وزیر بحری استفاده کرد و دست به تلاش گسترده ای برای آزادی بردگان زد، چند ماه بعد مجلس فرانسه قانون لغو بردگی را برای همیشه تصویب کرد، به این ترتیب در روز 27، اپریل 1848 میلادی حکومت جمهوری فرانسه قانون لغو فوری بردگی در مستعمرات فرانسه را تصویب کرد به لطف تلاش های ویکتور شونلشر انسان دوست 250 هزار برده سیاهپوست یا دورگه که در مستعمرات فرانسه به استثمار کشیده شده بودند برای همیشه از رنج بردگی نجات یافتند.

2 - تغییر رژیم در افغانستان :- صبحگاه 27، اپریل 1978 میلادی مطابق 7 ثور 1357 خورشیدی قیام نظامی علیه دولت محمد داود آغاز شد، در حالیکه بعضی از نیروهای نظامی تحت رهبری جگرن اسلم وطنجار بسوی مرکز شهر در حرکت بود، رهبر دیگر کودتاه دگروال عبدالقادر را اراکین دولت محمد داود، در مقر فرماندهی اش باز داشت کردند، پس از حمله به مقر فرماندهی نیروهای هوایی جنرال قادر که در آنجا تحت نظارت بود از ساختمان فرار کرد و با هلیکوپتر به میدان هوایی بگرام رفت، او از آنجا حملات هوایی را علیه کاخ ریاست جمهوری آغاز کرد، این حملات نهایتاً پیروزی کودتاگران علیه دولت رئیس جمهور داود خان را تضمین کرد، کودتاگران از ضعف فرماندهی قوای نظامی بخوبی سود بردند، اثتباهاات حیدر رسولی وزیر دفاع داودعامل پیروزی کودتا بود، در این کودتا نقش های فعالی را اشخاصی چون : حفظ الله امین، عبدالقادر، اسلم وطنجار، سید محمد کلاب زوی، رفیع و ... بازی می نمودند، ساعت 5 عصر بود کودتاگران رادیو افغانستان را گرفتند، نشرات عادی رادیو قطع شد و پخش آهنگهای ملی ادامه یافت ساعت 7 شام حفیظ الله امین اعلام کرد که اینک محمد اسلم و طنجار، اعلامیه شورای انقلابی و نظامی را به اطلاع مردم می رساند و وطنجار به زبان پشتو اعلامیه را قرائت کرد که متن در آن چنین بود : { برای اولین بار در تاریخ افغانستان، آخرین بقایای سلطنت، ظلم و استبداد و قدرت خاندان نادری پایان داده شد و تمام قدرت دولتی به مردم انتقال یافت، قدرت دولتی اکنون در دست شورای نظامی انقلابی است } و خلاصه قدرت سیاسی از رژیم داود خان به شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان انتقال کرد که بعداً بر اساس فیصله کمیته مرکزی، نور محمد تره کی بحیث رئیس جمهور قدرت را بدست گرفت، بسیاری از نخبه گان علل دگر تغییر رژیم را در افغانستان اینطور بر می شمارند :

- در قوای نظام شاهي و بعداً رژیم جمهوری داود خان رتبهء جزالی ومقامات بالای دولتی به وابستگان و آشنایان در بار و کسانی که به محافل حاکم نزدیک بودند، تحویل داده شده، و استعداد و تخصص کمتر در نظر گرفته میشد، بناً نا رضایتی از پائین (پائین رتبه ها و خورد ضابطان) یکی از آن عواملی بود که قیام را بارور نمود و به ثمرش رساند.

- بسیاری از کرسی های کلیدی در دولت و قوای نظامی را نمایندگان قبایل پشتون در دست داشتند و سایر ملت ها(هزاره ها، ازبکها، ترکمنها، قزاقها و چارایماقها و....) که اینان در دشوار ترین و آشوبزده ترین مناطق خدمت میکردند را متأثر می نمود.

- خشونت رژیم داود خان و حملات بی وقفه آن به احزاب راست و چپ و همچنان ترور میراگیر خیبر و بعداً زندانی نمودن هفت تن از رهبران دست اول حزب دموکراتیک باعث شد تا قیام بالای حزب تحمیل گردد .

- اقتصاد فرو رفته دولت و بیکاری جوانان که رو بطرف کشورهای همسایه و بخصوص ایران نموده بودند ، گرانی و دست مزد کم مامورین پائین رتبه و غیره باعث شده بود تا به یاری و مساعدت قیام کنندگان بشتابند، استقبال و گل پاشی روی تانکهای قیام کنندگان بر خواسته از همین روحیه در جامعه بود زیرا تمام زحمتکشان و کارگران و حقوق از دست دادگان خود را در پهلوئی حزب دموکراتیک خلق افغانستان « حزب پیش آهنگ طبقه کارگران و زحمتکشان » هم آهنگ می دیدند.

3- شورش سرداران ایرانی :- بتاريخ 27، اپریل سال 628 : شورش سرداران ایرانی ضد خودکامگی خسرو پرویز شاه ساسانی آغاز شد، در دوران حکومت خسرو پرویز جنگ میان ایرانیان و هراکلیوس امپراتور روم شرقی روی داد که با پیروزی ایرانیان پایان یافت، اما هراکلیوس یا هرقل برای جبران این شکست بعد از عبور از تنگه دار دائل و فتح همه سرزمینهای منطقه به ایران حمله کرد، او سرانجام در دستگرد با خسرو پرویز روبرو شد و او را شکست داد، خسرو پرویز بعد از این شکست فرار کرد همین امر موجب شورش مردم نیسفون شد که در نتیجه این شورش حکومت خسرو پرویز به پایان رسید و متعاقب آن وی را زندانی کردند و کشتند.

4 - استقلال کشور سیرالئون :- بتاريخ 27، اپریل 1961 میلادی: کشور سیرالئون از قدیم ترین مستعمرات انگلستان به استقلال رسید، در سال 1971 میلادی حکومت این کشور از فرمانداری کل به جمهوری تغییر یافت، سیرالئون بیش از 71000 کیلومتر مربع مساحت و بیش از چهار میلیون نفر جمعیت دارد که 25 درصد آن را مسلمانان تشکیل می دهند، غرب قاره افریقا و در همسایگی گینه واقع شده است و زبانهای مردم آن انگلیسی است.

=====

روز شمار، بیست هشتم اپریل

1 - شورش در کشتی بونتی :- بتاريخ 28، اپریل 1789 میلادی : کشتی بونتی با 44 خدمه بندر انگلیسی سپیده راترک می کند تا به سوی جزیره تاهیتی در اقیانوس آرام و سپس جزایر آنتیل روان شود، کشتی بان این کشتی « ویلیام بلیگ » 30 ساله بود، وی به دلیل ضروریات این سفر دریانوردان داوطلب را استخدام می کند، کشتی ابتدا به سوی قاره آمریکا حرکت می کند تا با دور زدن این قاره از طریق دماغه هورن به اقیانوس آرام برسد، اما چندین هفته طوفان شدید، کپتان را ناگزیر می کند جهت اولیه را رها کند و مسیر دماغه امیدواری در جنوب قاره افریقا را در پیش می گیرد اما بار دیگر بدبختی دامان کشتی بونتی را می گیرد، به دلیل فقدان وزش باد کشتی بان مجبور می شوند با کشتی های پارویی کشتی را به جلو برانند، در این شرایط دشوار کپتان " بلیگ " سختگیری زیادی نسبت به خدمه کشتی روا می دارد سرانجام بعد از 10 ماه آنها به هایتی می رسند، کشتی بان چند هفته را در این جزیره می مانند و نهال هایی که قرار بود به جامایکا ببرند را جمع آوری می کنند، بار دیگر وقتی کشتی بونتی راه دریا را در پیش می گیرد، کشتی بان " بلیگ " دوباره سختگیری در مورد کارکنان که سنت دریانوردی انگلستان بود را آغاز می کنند اما این بار دریانوردان داوطلب طاقت خود را از

دست می دهند، آنها دست به شورش زده و کپتان "بلیگ" و 18 نفر از خدمه وفادار به وی را در کشتی 5 متری جا داده و آنها را در میان اقیانوس آرام رها می کنند، بلیگ و یارانش با خوش شانسی موفق می شوند پس از پیمودن 5 هزار کیلومتر خود را به جزیره تیمور برسانند، بلیگ در آنجا یک کشتی اجاره می کند و به سوی انگلستان حرکت می کند تا هر چه زودتر تقاضای یک مجازات عبرت انگیز را برای کشتی سواران شورشی درخواست کند، شورشیان بونتی بار دیگر به تاهیتی بازمی گردند، اما تعدادی از آنها از جمله فلچر کریستیان رهبر شورشیان برای فرار، از تعقیب انگلیسی ها دوباره با کشتی بونتی جزیره تاهیتی را ترک می کنند، آنها به یک جزیره غیرمسکونی به نام پتکرن می روند تا در آنجا بقیه ایام زندگی خود را سپری کنند، فلچر پس از رسیدن به جزیره کشتی بونتی را آتش می زند تا انگلیسی ها ردش را نیابند، اما پس از مدتی شورشیان بونتی در این جزیره به جان یکدیگر افتاده و به کشتار یکدیگر می پردازند، هنگامی که آمریکایی ها در سال 1808 میلادی این جزیره را کشف می کنند، تنها یک نفر از آنها به نام جان آدامز زنده مانده بود، به این ترتیب در روز 28، اپریل 1789 میلادی به دلیل سختگیری های بی اندازه کپتان کشتی بونتی، کشتی سواران دست به شورش می زند، آنها کشتی را تصرف می کنند و با امید به یک زندگی جدید راه اقیانوس را در پیش می گیرند، غافل از این که سرنوشت شومی در انتظارشان است.

2 - تشکیل کنگره مذهبی اوگسبورگ: - بتاريخ 28، اپریل 1555 میلادی: کنگره مذهبی معروف به اوگسبورگ به همین نام در آلمان تشکیل شد، این کنگره برای پایان دادن به کشمکش های مذهبی امپراتوری مقدس روم بر پا شد، زیرا در نتیجه اصلاح دینی، اختلافاتی در این امپراتوری بوجود آمده بود، از نتایج کنگره اوگسبورگ اعطای آزادی پیروان مذهب پروتستان بود، همچنین املاک غضب شده پروتستانها رابه آنان باز پس دادند.

3 - حمله امریکا به کشور دومینیکن: - بتاريخ 28، اپریل 1965 میلادی: دولت امریکا به بهانه حفظ جان اتباع خود به کشور دومینیکن در امریکای مرکزی حمله کرد، در پی حملات امریکاییان مردم دومینیکن بر ضد نظامی که بر اریکه قدرت نشسته بودند، قیام کردند و در نهایت با پیوستن گروهی از نظامیان به انقلابیون، مردم این کشور شکست سختی بروای نظامی و رهبران وارد آوردند، امریکا نیز نیروهای خود را افزایش داد اما سرانجام دولت انقلابی تشکیل شد و نیروهای امریکایی را مجبور به خروج از دومینیکن کرد.

=====

روز شمار، بیست نهم اپریل

1- تولد زینه من، کارگردان اتریشی: - بتاريخ 29، اپریل 1907 میلادی: فرد زینه من کارگردان مشهور اتریشی متولد شد، او پس از تحصیل در رشته طب و مدتی فعالیت در عرصه موسیقی عاقبت جایگاه خود را در سینما یافت و استعدادش را در این عرصه آشکار کرد، زینه من اعتقاد داشت که فیلم مثل موسیقی راه مستقیمی به احساسات انسانهاست و بدین سبب به ساختن فیلم علاقه فراوان داشت، زینه من در مدت 48 سال فعالیت سینمایی 20 فیلم کوتاه و 20 فیلم بلند را کارگردانی کرد و فیلمهای او با اقبال عمومی مردم و منتقدان و کارشناسان سینمایی روبرو شد.

2 - بندر، ونیز به تصرف نیروهای متفق درآمد: - بتاريخ 29، اپریل 1945 میلادی: بندر زیبا و تاریخی ونیز در جنگ جهانی دوم به تصرف نیروهای متفق درآمد «ونیز» در ساحل شمال شرقی ایتالیا واقع است و در آخرین ماههای جنگ جهانی دوم مقاومت خود را در برابر قوای متفق از دست داد، این بندر دیدنی خود از ممالک مستقل ایتالیا بشمار می رفت و با نظام مستقل جمهوری اداره می شد، گفتنی است که ونیز پس از تصرف بدست قوای متفق بدستور جنرال الکساندر فرمانده عالی متفقین در ایتالیا از غارت و خرابی نجات یافت و همه آثار تاریخی و هنری آن همچون فلورانس محفوظ ماند.

3 - سلطنت پتر کبیر در روسیه: - بتاريخ 29، اپریل 1682 میلادی: پتر کبیر در 10 سالگی در روسیه به سلطنت رسید و سوفي خواهرش در مقام نایب السلطنه اداره امور را بدست گرفت، سوفي چندی بعد بطررا از قصر کرملین اخراج و او را به قریه ای نزدیک مسکو تبعید کرد، اما پتر کبیر سرانجام با سپاهی برخوردارش سوفي شورید و پیروز شد، پتر بعد از دستیابی به قدرت اقدامات اصلاحی بسیار انجام داد و در امور فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روسیه تحولات عظیمی پدید آورد.

=====

روز شمار، سی ام اپریل

1 - فروپاشی ویتنام جنوبی: - بتاريخ 30، اپریل 1975 میلادی: شهر سایگون پایتخت ویتنام جنوبی به اشغال نیروهای ویتنام شمالی و چریک های ویت کنگ درآمد و رژیم ویتنام جنوبی فروپاشید، یک هفته قبل از سقوط سایگون، نیروی هوایی و دریایی قوای نظامی امریکا عجلانه و به شکل فاجعه باری آخرین امریکایی ها حاضر در ویتنام جنوبی و 70 هزار ویتنامی را از سایگون خارج کردند و به بیش از 10 سال حضور نظامی امریکا در خاک ویتنام خاتمه دادند، در پی اشغال سایگون توسط نیروهای ویتنام شمالی و چریک های ویت کنگ نام پایتخت ویتنام جنوبی به یادبود رهبر فقید کمونیست ویتنام به هوشی مین ویل تغییر یافت، پیروزی رژیم کمونیست هائوی به جنگ میان 2 ویتنام پایان داد و آثار و تبعات استعماری را به خاک سپرد، کشور ویتنام در دوران استعمار فرانسه و در جریان جنگ نخست هندوچین علیه فرانسه به دو کشور ویتنام شمالی و جنوبی تقسیم شده بود و با اشغال سایگون، این کشور 2 پاره شده برای همیشه وحدت خود را بازیافت، پیروزی هائوی به سالهای بسیار طولانی استعمار و 30 سال جنگ در این کشور کوچک پایان داد و کشور ویتنام بار دیگر وحدت خود را بازیافت.

2 - استقلال کشور نیکاراگوآ: - بتاريخ 30، اپریل 1838 میلادی: کشور نیکاراگوآ به استقلال رسید، زبان رایج این کشورهسپانیایی و انگلیسی است و مردم آن مذهب کاتولیک دارند، نیکاراگوآ در امریکای مرکزی واقع است و با کشورهای هندوراس و کاستاریکا مرز مشترک دارد، همچنین مرز شرقی این کشور ساحل دریای کارائیب و مرز غربی آن اقیانوس آرام است، مهمترین محصولات این سرزمین موز، قهوه، ذرت، کاکائو، شکر و توتون است، همچنین این کشور معادن طلا و نقره و مس غنی دارد.

3 - در گذشت بر تولت برشت: - بتاريخ 30، اپریل 1898 میلادی: برتولت برشت نویسنده، شاعر و مشهورترین نمایشنامه نویس معاصر آلمان درگذشت، او در دوران جنگ جهانی اول در شفاخانه های نظامی خدمت و پرستاری می کرد و مشاهده وضع تأثیر انگیز شفاخانه ها و بیماران هرگونه حسن میهن پرستی را در او از بین برد، اشعار برشت نیز لحن تند و تلخی دارد که از همان اوضاع نابسامان دوران جنگ سرچشمه می گیرد، از آثار «برتولت برشت زندگی گالیله، طبل در شب و پونتیلا» و خدمتکارش را می توان نام برد.

ختم رویداد مهم جهانی در

ماه اپریل سالهای مختلف